حقيقت توحيد

از ديدگاه ائمه

ترجمة كتاب: (الوصية الخالدة)

تأليف:

محمد بن سالم الخضر

**ترجمه:**

**اسحاق دبیری رحمه الله**

**چاپ سوم** 1431/1388هـ

شناسنامه كتاب

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **نام كتاب:** |  | | **حقيقت توحيد از ديدگاه ائمه** | |
| **نويسنده:** |  | | **محمد بن سالم الخضر** | |
| **مترجم:** |  | | **اسحاق دبيري (رحمه الله)** | |
| **تيراژ:** |  | | **80000** | |
| **سال چاپ:** |  | | **1388هـ. ش برابر با 1431هـ. ق** | |
| **آدرس ايميل:** |  | | aqeedehlibrary@gmail.com | |
| **سايتهاى مفيد:** |  | کتابخانه عقیده (حاوی کتابهای نادر و کمیاب توحیدی) www.aqeedeh.com  اسلام تکس(پاسخ به شبهات)ww.islamtxt.com  www.ahlesonnat.net  www.isl.org.uk  www.islamtape.com | |

فهرست مطالب

[مقدمه 1](#_Toc252975753)

[شرک؛ ظلمی بس بزرگ 3](#_Toc252975754)

[دعا همان عبادت است 9](#_Toc252975755)

[پيامبران گفته‌اند، شما چه می‌گوييد؟ 15](#_Toc252975756)

[اهل بيت با صراحت تمام از خودشان می‌گويند 20](#_Toc252975757)

[توسّل چيزی است، و کمک خواستن از خلق و دعای آنها چيز ديگر 22](#_Toc252975758)

[واسطه‌ای ميان بنده و خالقش وجود ندارد 27](#_Toc252975759)

[ای کسانی که ايمان آورده‌ايد مثل کسانی نباشيد که کفر ورزيدند 32](#_Toc252975760)

[پس بنابراين مشکل کجاست؟! 35](#_Toc252975761)

[صورت عبادتها يكى هستند ولى اسمها و شخصيت هایی كه پرستش می‌شوند مختلفند 42](#_Toc252975762)

[اهل بيت به دوستداران خود توسّل مشروع را آموخته‌اند 45](#_Toc252975763)

[**اهل بيت ن از الله سبحانه و تعالی مدد می‌جستند، شما از چه کسی مدد می‌جويید؟** 49](#_Toc252975764)

[ياری جستن از زهرا و ائمه، يا از خالق آنها؟ 57](#_Toc252975765)

[آيا الله عزوجل برای بنده‌اش کافی نيست که حاجتش برآورده سازد؟ 68](#_Toc252975766)

[شعار دادن ديگر بس است 76](#_Toc252975767)

[منابع 78](#_Toc252975768)

مقدمه

**الحمدُ لله مدبِّر الملك والملكوت، المنفرد بالعِزة والجبروت، رافع السماء بغير عماد، المقدر فيها أرزاق العباد، الذي صرف أعين ذوي القلوب والألباب عن ملاحظة الوسائط والأسباب إلى مسبّبِِ الأسباب، ورفع هممهم عن الالتفات إلى ما عداه والاعتماد على مدبّر سواه، فلم يعبدوا إلاَّ إياه، عِلماً بأنهُ الواحد الفرد الصمد الإله، وتحقيقاً بأَنَّ جميعَ أصناف الخلق عبادٌ أمثالُهُم، لا يُبتغى عندهم الرزق والصلاة على محمد قامع الأباطيل، الهادي إلى سواء السبيل، وعلى آله وسلم تسليماً كثيراً.**

امّا بعد، این كتابچه كه هم اكنون، پیش روي شما قرار دارد در مورد وحدانيت و يكتاپرستي الله سبحانه و تعالي مي‌باشد. در ابتدا بايد از يكي از بزرگان اهل بیت پیامبر ص - كساني كه بزرگشان مي‌پنداريم و به وسيله محبت آنها خود را به الله تعالي نزديك مي‌كنيم- تشكر كنم كه به من پيشنهاد كرد کتابچه ای آراسته به آيات قرآن و فرموده‌هاى پيشوايان اهل بيت بنويسم چون نفع زيادي براي همه امت در پي دارد پس به خاطر شوقي كه داشتم به درخواست او پاسخ دادم. با وجود اينكه دوست نداشتم، بر كساني كه از نظر علم و تقوا بر من برتري دارند پيشي گيرم.

امّا دیدم که سستی من از نوشتن این كتاب همان کتمان علم است مخصوصاً هنگامي كه به روایاتی از اهل بیت که مخالف ادعای برخي‌ها که امروزه خود را به آیین و اعتقاد آنها نسبت می‌دهند آگاهی پیدا کردم.

براستی که در این زمان فتنه‌ها پشت سر هم آمده‌اند. چنانچه کسی دارای دلی زنده باشد آنچه را که می‌بیند و می‌شنود ناپسند می‌دارد و از الله سبحانه و تعالي می‌خواهد که فتنه‌اش را در دینش قرار ندهد.

و کدام فتنه بزرگتر از فتنة روی گردانی از آنچه معنی شهادتین «شهادتِ **أن لا إله إلا الله، و أنَّ محمداً رسول الله**» را حقیقت می‌بخشد. چه بسیارند کسانی که با علم، دیگران را نسبت به شهادتین در فتنه انداخته‌اند و چه بسیارند آنهایی که از روی تقلید در فهم آن، به فتنه دچار شده‌اند.

پس بر من واجب است که همّتم را محکم و اراده‌ام را با طلب یاری از خداوند قوی گردانم. در حالی که در رساندن گفته‌ام به مردم فقط از او توفیق و استحکام می‌طلبم. اگر آنچه را که می‌خواستم بیان کنم بطور کامل بیان شد پس سپاس خداوند که با نعمت خودش نیکی‌ها را کامل نمود و اگر آنچه می‌خواستم کاملاً بیان نشد از خداوند می‌خواهم از پاداش آن بی‌بهره‌ام نکند و این کارم را خالصانه در راه خودش قرار دهد، طوری که ریا و شهرت طلبی در آن نباشد.

و برای اینکه خوانندة گرامی بداند راضی نمودن مردم هدفی دست نیافتنی است و کسی که مردم را در مقابل ناخشنودی خداوند راضی نماید خدا او را به مردم واگذار نموده و به آنها محول می‌کند، و کسی که خداوند را در مقابل ناخشنودی مردم راضی نماید خدا از او راضی بوده و همچنین مردم را از او راضی می‌نماید.

و آخِرُ دعوانا أَنِ الحمدُ للهِ ربِّ العالمینَ

شرک؛ ظلمی بس بزرگ

‌براستی خداوند متعال شرک ورزیدن را بزرگ پنداشته پس در کتاب گرامیش فرموده: ﮋ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮊ. (المائده: ٧٢).

« هر كس شريكى براى خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام كرده است، و جايگاه او دوزخ است، و ستمكاران، يار و ياورى ندارند».

و در جای دیگری از کتابش فرموده است: ﮋ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮊ . (النساء: ٤٨).

«خداوند (هرگز) شرك را نمى‏بخشد! و پايين‏تر از آن را براى هر كس (بخواهد و شايسته بداند) مى‏بخشد».

پس خداوند متعال خبر داده که بحقیقت شرک را نمی‌بخشد مگر اینکه از آن توبه شود، ولی خداوند اگر بخواهد گناهان غیر از شرک را بدون توبه هم می‌بخشد[[1]](#footnote-1).

و بحقیقت برای من روشن شده که امام علی چقدر به این آیه توجه داشته آنجا که می‌فرماید: (در قرآن ‌هیچ آیه‌ای نزد من از این فرمودة خداوند متعال محبوب‌تر نیست که می‌فرماید: ﮋ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮊ. (النساء: ٤٨)[[2]](#footnote-2).

و بخاطر زشت بودن شرک، خداوند سبحان آن را به ظلمي بزرگ معرفی نموده پس فرموده است: ﮋ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﮊ. (لقمان: ١٣). «در حقيقت شرك، ظلم بزرگى است».

پس هر کس شرک ورزد بحقیقت که به خود ظلم نموده و خود را به هلاکت انداخته است برخلاف اهل ایمان که خداوند با فرمودة ‌خود آنها را چنین تعریف می‌کند: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﮊ. (الأنعام: ٨٢).

«(آرى،) آنها كه ايمان آوردند، و ايمان خود را با شرك و ستم نيالودند، ايمنى تنها از آن آنهاست، و آنها هدايت‏يافتگان اند!».

و براستی خداوند عمل مشرک را باطل نموده و آن را به خود مشرك باز می‌گرداند. و می‌فرماید: ﮋ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﮊ. (الأنعام: ٨٨). «و اگر آنها مشرك شوند، اعمال (نيكى) كه انجام داده‏اند، نابود مى‏گردد (و نتيجه‏اى از آن نمى‏گيرند)».

‌بلکه به پیامبرش محمّد ص می‌فرماید: ﮋ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﮊ. (الزمر: ٦٥). «به تو و همه پيامبران پيشين وحى شده كه اگر شرک بورزید، تمام اعمالت تباه مى‏شود و از زيانكاران خواهى بود».

و برای اینکه توحید خالص تحَقُّق پیدا کند و باعث رهایی بندگان از پرستش غیر خداوند عزّوجل، باشد خداوند پیامبران را بعنوان مژده دهنده و هشدار دهنده فرستاده همچنان که می‌فرماید: ﮋ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﮊ . (النحل: ٣٦).

«ما در هر امتى رسولى فرستاده ایم كه: «خداى يكتا را بپرستيد، و از طاغوت اجتناب كنيد!».

پس هر پیامبری که خداوند او را فرستاده است، با دعوت به پرستش خداوند آغاز نموده است.

این نوح ؛ است که به قومش می‌گوید: ﮋ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﮊ. (الأعراف: ٥٩).

«اى قوم من! (تنها) خداوند يگانه را پرستش كنيد، كه معبودى بحق جز او براى شما نيست! (و اگر غير او را عبادت كنيد،) من بر شما از عذاب روز بزرگى مى‏ترسم!».

و این هود ؛ است که به قومش می‌فرماید: ﮋ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﮊ. (الأعراف: ٦٥).

«اى قوم من! (تنها) خدا را پرستش كنيد، كه جز او معبودى بحق براى شما نيست! آيا پرهيزگارى پيشه نمى‏كنيد؟!».

این هم محمّد ص است که پروردگارش به او امر می‌کند و می‌فرماید: ﮋ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝﮊ. (الأنعام: 151).

«بگو: بياييد آنچه را پروردگارتان بر شما حرام كرده است برايتان بخوانم: اينكه چيزى را شريك خدا قرار ندهيد».

در بین مردم می‌گشت در حالی که صدا می‌زد: «**قولوا لا اله الله تفلحوا**».

«بگویید هیچ معبود بر حقّی به غیر از الله نیست رستگار می‌شوید» در عین حال عمویش ابولهب از پشت سر به طرفش سنگ می‌انداخت و سخنان زشت می‌گفت.

اگر انساني كه دل زنده دارد، ظلم را ناخوشایند می‌داند و زشت می‌شمارد و با ظالمان دشمنی می‌کند و بخاطر گناه بزرگشان نسبت به آنها کینه می‌ورزد، پس باید بداند بزرگترین ظلم، شریک قرار دادن برای خدای سبحان است. همچنان که این عقیدة گذشتگان ماست و انسان مشرک بخاطر بدگمانی اش به خداوند و دلبستگی به غیر او، سزاوار است که بخاطر خدا مورد کینه واقع شود.

در حدیث عبدالله بن مسعود آمده که او از پیامبر ص می‌پرسد: «**أَيُّ الذّنب أَعظمُ؟ فقالَ: أَن تجعل للهِ ندّاً وهو خَلَقَکَ!**».

«کدام گناه بزرگتر است؟ فرمودند اینکه برای خداوند شریکی قرار دهی در حالی که او تو را خلق کرده است!»[[3]](#footnote-3).

به همین خاطر است که پرهیز از شرک و بیزاری جستن از مشرکین و شرکی که قرار می‌دهند از واجبترین واجبات است.

و از همین مسیر است که ابراهیم ؛ از مشرکین و آنچه بغیر از خداوند می‌پرستند آشکارا اعلام بیزاری می‌کند: ﮋﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙﯚ ﯛ ﯜ ﯝﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﮊ. (الشعراء: ٧٥ - ٧٧).

«گفت: «آيا ديديد (اين) چيزهايى را كه پيوسته پرستش مى‏كرديد. شما و پدران پيشين شما، همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار عالميان».

همچنین می‌فرماید: ﮋ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮊ. (الأنعام: ٧٨ ). «اى قوم من، از شريكهايى كه شما (براى خدا) مى‏سازيد، بيزارم».

و این دین ابراهیم ؛ است، آن دینی که الله سبحانه وتعالي در مورد آن می‌فرماید: ﮋ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎﮊ. (البقره: ١٣٠).

«چز افراد سفيه و نادان، چه كسى از آيين ابراهيم، (با آن پاكى و درخشندگى،) روى‏گردان خواهد شد؟!».

و خداوند مردم را به پیروی از دین ابراهیم ؛ تشویق نموده و می‌فرماید: ﮋ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﮊ. (الممتحنه: ٤).

«براى شما سرمشق خوبى در زندگى ابراهيم و كسانى كه با او بودند وجود داشت، در آن هنگامى كه به قوم (مشرك) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غير از خدا مى‏پرستيد بيزاريم، ما نسبت به شما كافريم، و ميان ما و شما عداوت و دشمنى هميشگى آشكار شده است، تا زمانی كه به خداى يگانه ايمان بياوريد».

دعا همان عبادت است

در حقیقت دعا همان عبادت است، حقیقتی که انسان ایمان‌دار آن را احساس می‌کند در حالی که بخاطر درخواست خیر دنیا و آخرت دستهایش را بسوی آسمان بلند می‌کند.

و براستی که آیات قرآن و احادیث و گفته‌های اهل بیت علیهم السلام این معنی که دعا، عبادت است را تأیید می‌کنند، پس صراحتاً آمده که دعا همان عبادت بوده و دعا و طلب از غیر خداوند همان معبود قرار دادن غیر اوست و خدا از شريك پاک و منزه است.

نعمان بن بشیر می‌گوید: شنیدم پیامبر ص بر روی منبر می‌فرمود: «**إنَّ الدعاءَ هو العبادة**».

«براستی که دعا همان عبادت است، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﮋ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﮊ. (غافر: ٦٠).

«پروردگار شما گفته است: مرا بخوانيد تا (دعاى) شما را بپذيرم! كسانى كه از عبادت من تكبر مى‏ورزند به زودى با ذلت وارد دوزخ مى‏شوند!».

و در مناجات امام علی بن حسن (زین العابدین) در کتاب کامل صحیفة سجادیه آورده که من می‌گویم آیة ﮋﭰﭱ ﭲﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﮊ. (إبراهيم: 7).

و می‌گویم: ﮋ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫﮊ.

«دعا را عبادت و ترک دعا را تکبُّر بحساب آورده و وعده داده در صورت ترک دعا انسان با خواری وارد جهنم می‌شود، پس بار الها با منّت نهادن تو است که ذکرت می‌کنیم و با فضل و کرم تو است که شکرت می‌کنیم و به امر تو از تو می‌طلبم و در راه تو صدقه می‌دهم به این امید که بر ایمانم بيفزايى»[[4]](#footnote-4).

میرزا نوری طبرسی در کتاب (مستدرک الوسائل جلد 5 ص 159) از قطب راوندی نقل می‌کند که ایشان در قسمت دعاهایش این حدیث پیامبر ص را آورده که می‌فرمایند: «**أفضَلُ عِبادَةِ أُمَّتي بَعدَ قراءَة القرآن الدعاءُ**».

«ارزشمندترین عبادت امّت من بعد از قرائت قرآن، دعا است».

سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﮋ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﮊ.

براستی! پس آیا نمی‌بینید که دعا همان عبادت است؟.

کلینی در کتاب (الکافی جلد 2 ص 466) از امام باقر (؛) روایت می‌کند که فرمودند: خداوند می‌فرماید: ﮋﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﮊ. سپس فرمودند: «منظور از عبادت در اینجا دعاست و بزرگترین عبادت دعاست».

و آنچه در این آیة کریمه قابل توجه است این است که خداوند متعال دعا را عبادت نامیده و رسول الله ص نیز همچنانکه در حدیث (مستدرک الوسائل) آمده به همین معنا اشاره فرموده و امام باقر که در روایت (الکافی) آمده دعا را عبادت نامیده، بلکه در فرمودة خداوند واضحتر و روشن‌تر این نکته از زبان ابراهیم ؛ بیان شده که به قومش فرمودند: ﮋ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸﮊ. (مريم: ٤٨ - ٤٩). «و از شما، و آنچه غير خدا مى‏خوانيد، كناره‏گيرى مى‏كنم، و پروردگارم را مى‏خوانم، و اميدوارم در خواندن پروردگارم بى‏پاسخ نمانم! هنگامى كه از آنان و آنچه غير خدا مى‏پرستيدند كناره‏گيرى كرد».

پس خداوند از گفتة ابراهیم ؛ نسبت به قومش خبر داده که به آنها گفت: ﮋ ﯣ ﯤ ﯥﮊ.

«از شما و آنچه دعا می‌کنید و از آنها درخواست می‌کنید کناره‌گیری و دورى می‌کنم».

و خداوند متعال این را به عبادت تعبیر نموده و می‌فرماید: ﮋﯲﯳﯴﯵﮊ. «زمانی که از آنان و آنچه عبادت می‌کردند، کناره‌گیری می‌کنم».

روایتهای به اثبات رسیدة زیادی وجود دارد مبنی بر این که دعا عبادت است در زیر به بعضی از آنها اشاره می‌کنم:

کلینی در کتاب الکافی، و حر عاملی در (وسائل الشیعه) از ابی عبدالله ؛ روایت می‌کند که گفتند: «**أنَّ الدعاء هو العبادة**»[[5]](#footnote-5).

«در حقیقت که دعا همان عبادت است».

همچنین از ابی جعفر ؛ روایت شده که فرمودند: «**أفضل العبادة الدعاء**»[[6]](#footnote-6). «یعنی برترین عبادت، دعا کردن است».

طوسی در کتابش (تهذیب الاحکام جلد 2، ص104) از ابن عمار روایت می‌کند که گفت : به ابی عبدالله ؛ گفتم (دو مرد در یک ساعت نمازشان را شروع کردند، یکی از آنها قرآن تلاوت کرد و تلاوتش از دعایش بیشتر بود و دیگری دعا کرد چنان که دعایش از تلاوتش بیشتر بود سپس هر دو در یک وقت فارغ شدند، کدام یک بهتر است؟ گفت : در هر دو برتری و فضیلت است، هر دو نیکویند.

گفتم: من می‌دانستم هر دو نیکند و فضیلت دارند، در جواب گفت: دعا برتر است، آیا فرمودة خداوند را نشنیده‌ای که می‌فرماید: ﮋ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﮊ. (غافر: ٦٠).

«پروردگار شما گفته است: مرا بخوانيد تا (دعاى) شما را بپذيرم! كسانى كه از عبادت من تكبر مى‏ورزند به زودى با ذلت وارد دوزخ مى‏شوند!».

و گفت: قسم به خدا دعا عبادت است، قسم به خدا آن برتر است، قسم به خدا آن افضل است، آیا دعا عبادت نیست؟! قسم به خدا عبادت است، قسم به خدا عبادت است آیا دعا قوى‌ترینشان نیست، به خدا قسم قوى‌ترینشان است، به خدا قسم قوى‌ترینشان است.

از سدیر روایت شده که گفت: به ابی جعفر ؛ گفتم: کدام عبادت برتر است؟ در جواب گفت: هیچ چیزی نزد خداوند باارزش‌تر از این نیست که از آنچه نزد اوست درخواست و طلب شود، و هیچ کسی مورد کینه و نفرت خداوند قرار نمی‌گیرد، بجز کسانی که از عبادت وی سر باز زده و از آنچه که نزد اوست در خواست نمی‌کنند.

از اَبی جعفر ؛ روایت شده وقتی که صبح می‌کرد، می‌گفت: صبح کردم در حالی که پروردگارم را ستایش و نیایش می‌کردم، صبح کردم در حالی که هیچ شریکی برای خدا قرار ندادم و بغیر از او معبود دیگری را مورد درخواست و دعا قرار ندادم، و هیچ سرپرست و یاوری بغیر از او برای خود بر نگزیدم[[7]](#footnote-7).

و همچنین پرسیده شد: (کدام عبادت بهتر است؟ در جواب گفت: هیچ چیزی نزد خداوند متعال باارزشتر از این نیست که از او درخواست شود)[[8]](#footnote-8).

هر چه در این جا آوردیم و به اثبات رسیده بطور قطعی بر این دلالت می‌کنند که دعا عبادت است و دعا کردن و درخواست از غیر خداوند بصورت کاملاً آشکار بیان کنندة عبادت برای غیر خداوند متعال است.

پيامبران گفته‌اند، شما چه می‌گوييد؟

زمانی که ابراهیم ؛ طلب دعا از بتها و تقدیم قربانی برای آنها را بر قومش ردّ کرده و ناپسند دانست؛ ﮋ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮊ. (الأنبياء: ٦٦).

«(ابراهيم) گفت: آيا جز خدا چيزى را مى‏پرستيد كه نه كمترين سودى براى شما دارد، و نه هم زيانى به شما مى‏رساند!».

بله ... چگونه صدا می‌زنید و طلب یاری می‌جویید از کسی که نمی‌تواند سود و زیانی به خود یا به دیگران برساند!

این را خداوند متعال از زبان پیامبرش محمدص بیان کرده که می‌فرماید: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ. (الأعراف: ١٨٨).

«بگو: من مالك سود و زيان خويش نيستم، مگر آنچه را خدا بخواهد، (و از غيب و اسرار نهان نيز خبر ندارم، مگر آنچه خداوند اراده كند) و اگر از غيب باخبر بودم، سود فراوانى براى خود فراهم مى‏كردم، و هيچ بدى (و زيانى) به من نمى‏رسيد، من فقط بيم‏دهنده و بشارت‏دهنده‏ام براى گروهى كه ايمان مى‏آورند! (و آماده پذيرش حقند)».

فضل بن حسن طبرسی در تفسیر آیة مبارکة ﮋﭑﭒﭓ ﭔﮊ. «می‌گوید معنای این آیه همان اظهار عبودیّت و بندگیست، یعنی من عبد ضعیفی هستم که نمی‌توانم سودی را متوجه خود سازم یا ضرری از خود دفع کنم». ﮋ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛﭜﮊ. وپروردگار من می‌تواند نفع را به من برساند یا آن را از من دور کند.

ﮋ ﭝﭞ ﭟ ﭠﮊ. و اگر غیب را می‌دانستم‌.

وضعیّت من از اینکه هست بهتر می‌بود، در این صورت بر سود و منفعت خود می‌افزودم و از هر چه ضرر و زیان داشت دوری می‌کردم، و نمی‌گذاشتم یکبار در جنگ پیروز شده و بار دیگر شکست بخورم، یکبار در تجارت سود کنم و بار دیگر ضرر. ﮋ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ. «من فقط عبدی هستم که بعنوان مژده دهنده و بیم دهنده فرستاده شده‌ام و غیب دانستن در شأن و منزلت من نیست»[[9]](#footnote-9).

شیخ محمد جواد مغنیه در تفسیر الکاشف 3/431 می‌گوید: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛﭜﮊ.

«این عقیدة همة مسلمانان به پیامبر خود حضرت محمّد ص اشرف و برترین مخلوقات است که مالک هیچ چیزی برای خود نیست چه برسد به اینکه مالک چیزی برای دیگران باشد».

و این باور نسبت به محمّد ص نتیجه قطعی و نهایی عقیدة توحید و یکتاپرستی است، همچنان که می‌فرماید: ﮋ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﮊ.

«کلمة غیب که در اینجا آمده فقط معنای غیب نمی‌دهد بلکه بر این هم دلالت می‌کند که غیب فقط مخصوص خداوند متعال است علاوه بر این، نزدیک‌ترین انسان به پروردگار به همة نسلها اعلام می‌کند که در مقابل مسأله غیب هيچ انسانی با انسانهاى ديگر تفاوتى ندارد.

سپس به این ابلاغ بسنده نکرده بلکه از روی احساس و وجدان برای آن دلیل آورده آن هم این است که اگر غیب را می‌دانست عاقبت کارها را می‌دانست. پس آنچه عاقبتش نیکو بود جلو می‌انداخت و آنچه عاقبت بدی داشت به عقب می‌انداخت و آنچه در زندگی برایش ضرری داشت و از آن بدش می‌آمد به او نمی‌رسید. و برای اینکه کسی نگوید: در حالی که محمّد فرستادة مقرب خداست چگونه غیب را نمی‌داند؟ پیامبر ص بدستور خدا می‌گوید: ﮋ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ. «من کسی جز مژده دهنده و هشدار دهنده برای كسانى كه ايمان آورده‌اند نیستم».

به حقیقت که او پیامبر خداست. و در این هیچ شکّی نیست، امّا مأموریّت پیامبر فقط در این است که پیامهای خداوند را به مردم برساند، و گناهکاران را از عذاب ترسانده و فرمانبرداران را به پاداش مژده دهد، امّا علم غیب و رساندن نفع و ضرر فقط در دست خداست.

خداوند متعال به پیامبر ص دستور داده که به مردم ابلاغ نماید که من نمی‌توانم به هیچ کس سود و زیانی برسانم، خداوند می‌فرماید: ﮋﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮊ. (الجن: ٢٠ - ٢١).

«بگو: من تنها پروردگارم را مى‏خوانم و هيچ كس را شريك او قرار نمى‏دهم! بگو: من مالك زيان و هدايتى براى شما نيستم!».

شیخ طوسی در کتاب التبیان جلد 10/157 می‌گوید که: خداوند به پیامبرش محمّد (ص) امر کرده که به مکلفین بگوید: ﮋ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮊ.

به این معنا که من نمی‌توانم ضرری را از شما دفع کنم و یا خیری را به شما برسانم، بلکه تنها خداست كه قادر به اين كار مى‌باشد، و من فقط می‌توانم شما را به خیر و نیکی دعوت کنم و شما را به راه راست راهنمایی کنم.

پس اگر پذیرفتید ثواب و پاداش به شما می‌رسد و اگر نپذیرفتید عذاب و عِقاب به شما می‌رسد و همچنین خداوند می‌فرماید که ای پیامبر به آنها بگو: ﮋ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮊ. (الجن: ٢٢). «بگو: «(اگر من نيز بر خلاف فرمانش رفتار كنم) هيچ كس مرا در برابر او حمايت نمى‏كند».

یعنی پیامبر هم قادر نیست که کسی را از عقابی که خداوند متعال برای وی در نظر گرفته است پناه بدهد. ﮋ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮊ.

«و پناهگاهى جز او نمى‏يابم».

یعنی گریز گاهی بجز خداوند که بتوان از عذاب و عقاب، به آن پناه برد و از آن طلب سلامت کرد، وجود ندارد. و این آیه خطاب به شخص پیامبر ص می‌باشد ولی منظور آن امّت وی می‌باشد. چون که پیامبر مرتکب عمل زشتی نمی‌شود که از عذاب بترسد. بنابراین غیر از خداوند هیچ راه فرار و گریزگاهی وجود ندارد.

شیخ طبرسی در کتاب تفسیرش، مجمع البیان، 10/153 می‌گوید: خداوند پیامبرش را مخاطب قرار داده و فرموده که ای پیامبر به مکلفین بگو که: ﮋ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮊ.

یعنی نمی‌توانم ضرری را از شما دفع کنم و یا خیری را به شما برسانم و فقط خداوند قادر به آن است و من فرستاده‌ای بیش نیستم که جز ابلاغ و دعوت به طرف دین و هدایت و ارشاد وظیفه دیگری ندارم. و این اعتراف به بندگی پیامبر ص است.

اهل بيت با صراحت تمام از خودشان می‌گويند

این امام جعفر صادق است که با صراحت در پیشگاه مردم و آنها که وی را دیده‌‌اند و با وی همنشینی کرده‌اند و آنهایی که سخنانش را شنیده‌اند و او را ندیده‌اند، اعلام می‌کند و آشکارا می‌گوید که: «قسم به خدا من بنده‌ای بیش نیستم. و قادر به دفع ضرر و جلب منفعت نیستم، اگر خداوند به ما رحم کرد از رحمت و شفقت وی است، و اگر ما را دچار عذاب کرد از گناه خودمان می‌باشد، قسم به خدا که ما هیچ دلیل و حجتی برای خداوند نداریم و هیچ رهایی و خلاصی بجز او نداریم. و ما نیز قطعاً می‌میریم و داخل قبر می‌رویم و آنگاه برانگیخته می‌شویم و مسئول اعمال خود هستیم.... شما را شاهد می‌گیرم که من فرزند رسول الله ص می‌باشم و از خداوند بی‌نیاز نیستم. بار الها اگر تو را اطاعت کردم به من رحم کن، و اگر دچار گناه شدم مرا شدیداً عذاب کن»[[10]](#footnote-10).

و در دعایش می‌گوید: «بار الها بلاهای ما را آشکار نکن، و دشمنان ‌ما را نسبت به [احوال بد] ما شاد نکن، که تو هستى ضرر رساننده و نفع دهنده»[[11]](#footnote-11).

و نوه امام جعفر، یعنی امام رضا، در دعایش می‌گوید: «پروردگارا من از حول و قوت خودم به تو پناه مى‌برم، پس هيچ حول و قوتى جز بسوى تو نيست. بارالها من از کسانی که چيزهايى به بما نسبت داده‌اند كه در ما نيست، بیزارم. بارالها من از کسانی که چیزهایی را که حتّی در دل خود نیز اعتقاد نداشته و نگفته‌ام بر من دروغ بسته اند، بیزارم. بار الها تویی خالق و تویی امركننده، تنها تو را می‌پرستم و تنها از تو یاری می‌جویم. بار الها تو خالق ما و خالق اجداد اوّلین و آخرین ما هستی. بار الها ربوبیّت فقط شایسته توست و الوهیّت لایق تو می‌باشد. پس بر مسیحیانی که عظمت تو را کم کردند، لعنت بفرست. بار الها ما بندگان تو و فرزندان بنده‌های توئیم، مالک هیچ نفع و ضرر و مرگ و زندگی و برانگیخته شدن برای خود نیستیم. بارالها آنهائی که می‌پندارند ما سرورشان هستیم ما به وسیله تو از آنها بیزاری می‌جوئیم، و آنهائی که فکر می‌کنند مردم به طرف ما می‌آیند و رزقشان برعهده ماست، [ما مانند برائت عیسی ؛ از مسیحیان] از آنها اعلام برائت می‌کنیم. پروردگارا ما آنها را بدانچه که می‌پندارند سوق نداده‌ایم، پس به آنچه که آنها می‌گویند ما را مؤاخذه نکن و نسبت بدانچه می‌گویند ما را بیامرز»[[12]](#footnote-12).

پس ملاحظه کن که امام صادق و امام رضا به طور آشکارا شهادت می‌دهند که خداوند تنها نافع و تنها ضرر رساننده است. و یک امام از امامان آل بیت همان بنده‌ای است که نمی‌تواند نفع و ضرری را به خود و یا به دیگری برساند. و آنهایی که غیر از این می‌پندارند به ائمه نسبت دروغ داده‌اند و چیزهایی را به آنها نسبت داده‌اند که خود از آن بی‌خبرند.

توسّل چيزی است، و کمک خواستن از خلق و دعای آنها چيز ديگر

خیلی از ماها مرتکب خطاهای بزرگى می‌شویم ولی اگر از ما سؤال شود، دنبال بهانه خواهیم بود تا اين اشتباهات را از خود درو كنیم.

بیشتر ما عاطفی هستیم و این نیاز به دلیل و برهان ندارد و عاطفه شخص فکر معینی را القا می‌کند که آن را دوست دارد، با آن انس می‌گیرد و بر مخالف آن حمله می‌برد.

بعضی تصور می‌کنند که انتقاد من نسبت به کمک خواستن از پیامبر ص و ائمه آل بیت و یا صحابه گرامی و سایر اولیاء و صالحین، بخاطر بد سرشتی و کم لطفی من نسبت به آن بزرگان است. ولی هیهات و هرگز که اینگونه باشد در حالیکه ما جان و خون خود را در راه دفاع از آنها و نزدیکی به آنها و دوستی و محبّت آنها از دست می‌دهیم ولی من یقین دارم که هر زنده دلی، خدا و رسولش ص و آل بیت و صحابه گرامی را دوست دارد. پس بدون شک در خواهد یافت که این دوستى به معنای پرستش نیست و دوست داشتن رسول الله ص و آل بیت و اصحاب وی به معنای پرستش آنها نیست.

شخص مسلمان حقیقتاً مسیحیانی را که از عیسی یا مریم إ طلب کمک می‌کنند، رد می‌کند. و همچنین دعا و گریه و زاری به درگاه آنها را قبول نمی‌کند و به ذهن کسی هم خطور نمی‌کند که این شخص نسبت به عیسی و مریم إ بغض و کینه دارد. و آنچه که در مورد عیسی و مادرش گفته شد در مورد ائمه آل بیت از باب اولی جایز نمی‌باشد.

این موضوعی را که یادآوری کردم میان من و دوست مادرم اتفاق افتاد. ولی موضوع در مورد توکل بود. وقتی که داشتم سوار ماشین می‌شدم، او گفت: «**توکَّلتُ علی الله ومحمد**» به او گفتم؛ مادرم بگو: «**توکلت علی الله**» محمد ص پیامبر ما و حبیب ماست ولی او نیز مخلوق است و جایز نیست که به او توکّل کنیم و توکّل بایستی فقط بر خداوند باشد.

او گفت: ما بر خدا توکّل می‌کنیم آنگاه بر محمّد ص توکل می‌کنیم. با یک لبخند گفتم: آیا درست است که بر خدا و بر مسیح توکّل کنی یا اول بر خدا و سپس بر مسیح توکّل کنی؟ گفت: نه، گفتم: پس فرق میان این دو چیست؟ از این جواب من تعجب کرد.

گفتم: آیا مسیح ؛ نبی نیست؟ گفت: بله، ولی با این حال جایز نیست كه اين سخن در مورد او گفته شود.

به او گفتم: مادرم، محمّد ص رسول الله است و مسیح ؛ رسول الله است و سخنان انبیاء الله در قرآن آمده است. ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹﭻ ﭼ ﭽ ﭾﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮊ. (إبراهيم: ١١ - ١٢).

«پيامبرانشان به آنها گفتند: «درست است كه ما بشرى همانند شما هستيم، ولى خداوند بر هر كس از بندگانش بخواهد (و شايسته بداند)، نعمت مى‏بخشد (و مقام رسالت عطا مى‏كند)! و ما هرگز نمى‏توانيم معجزه‏اى جز بفرمان خدا بياوريم! (و از تهديدهاى شما نمى‏هراسيم) افراد با ايمان بايد تنها بر خدا توكل كنند! و چرا بر خدا توكل نكنيم، با اينكه ما را به راه‏هاى (سعادت) رهبرى كرده است؟! و ما بطور مسلم در برابر آزارهاى شما صبر خواهيم كرد (و دست از رسالت خويش بر نمى‏داريم)! و توكل‏كنندگان، بايد فقط بر خدا توكل كنند!».

و یعقوب ؛ به فرزندانش می‌‌گوید: ﮋ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﮊ. (يوسف: ٦٧).

«و (من با اين دستور،) نمى‏توانم حادثه‏اى را كه از سوى خدا حتمى است، از شما دفع كنم! حكم و فرمان، تنها از آن خداست! بر او توكل كرده‏ام، و همه متوكلان بايد بر او توكل كنند!».

آیا این آیه به طور واضح و کافی، دلیل بر این نیست که جز بر خداوند متعال نمی‌توان توکّل کرد؟

تمامی انبیاء ؛ قدرت را از خود نمی‌دانستند و به صراحت اعلام می‌کردند که مؤمن بایستی فقط بر خداوند توکّل کند و نه غیر.

بحمد الله این کلمات مثل مرهمی بر قلب آن زن بود و بعد از آن روز هر گاه که می‌آمد جز از خداوند چیزی را نمی‌خواست و کمک نمی‌گرفت و تنها بر او توکّل می‌کرد.

کسانی که از انبیاء و ائمه و انسانهای صالح کمک و مدد می‌خواهند، خودشان را در اشتباه انداخته‌اند بلکه خود را فریب داده‌اند وقتی که تصور می‌کنند که دعا خواستن از مخلوق و کمک جستن از وی مثل توسّل به مقام پیامبر یا انسانهای نیکوکار است!

با وجود اینکه ما حدیثی را که در این موضوع صراحت داشت، بیان کردیم. از کسانی که عبارت (ادرکنی یا علی) و يا (ادركني يا مهدي) را تکرار می‌کنند سؤالی داریم، آیا هنگامی که آن عبارت را تکرار می‌کنند در مورد خداوند فکر می‌کنند یا اینکه در مورد امام علی فکر می‌کنند و از او می‌خواهند که آنها را درک کند؟ ﮋ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﮊ . (الأحزاب: ٤).

«خداوند براى هيچ كس دو دل در درونش نيافريده».

میان توسّل و انواع دیگر فرق آشکاری وجود دارد، توسّل مثل (بار الها بخاطر مقام محمّد ص از تو می‌خواهم ...) یا (بارالها بخاطر مقام و جلال محمّد ص سختی و بلا را از من دور کن) یا (بارالها به حق محمّد و آل محمّد مرا بیامرز) و انواع مشابه آن. ولی انواع دیگر مثل (ادرکنی یا علی) یا (**الغوث یا رسول الله**) یا (ای پیامبر سختیهای مرا بزدای) یا (یا کاظم مرا شفا ده) است که تفاوتهای آشکاری میان این ها وجود دارد.

در نوع اوّل خطاب فقط خداوند متعال می‌باشد. بنابراین شخص دعاگو از خداوند می‌خواهد که : (بارالها فلان چیز را از من دور کن). یا (بارالها از تو فلان چیز را می‌خواهم). و سپس این دعا را به مقام و جاه محمّد ص یا مقام انبیاء و صالحین ملحق می‌کند[[13]](#footnote-13).

اما نوع دوّم، کمک خواستن از مخلوق در کارهایی است که جز پروردگار انسانها کسی قادر به انجام آن نیست. و این همان صیغه‌هایی است که ما را دچار شک می‌کنند با وجود اینکه با قرآن و سنّت و روایات ائمه آل بیت موافقت ندارد.

برخی که میخواهند مردم عوام را فریب دهند میگویند: مگر ما در زندگی روز مره از دیگران کمک نمی خواهیم؟! و به اتفاق همه این نوع کمک ها جایز است! حالا که ما از کسانی که از این مردم بهتر هستند کمک میخواهیم می گویید: ناجایز است!.

این مقایسه صحیح نیست و فقط برای فریب مردم اینطور سخن می گویند: ما میگوییم درخواست چیزی یا کاری که از دست مردگان بر نمی آید و قدرت و توانایی آن را ندارند، ضمن اینکه مقایسه بین مرده و زنده جایز نیست، زیرا شخصی که از این دنیا رفت دیگر خودش نیاز به دعای زندگان دارد نه برعکس!

واسطه‌ای ميان بنده و خالقش وجود ندارد

با دقّت در قرآن، آیات زیادی را مشاهده می‌کنیم که مردم درباره آن سوالهایی را مطرح کرده‌اند و خداوند به آنها پاسخ داده است.

وقتی که مردم از هلال و بدر ماه سوال می‌کنند خداوند متعال پاسخ می‌دهد: ﮋ ﮮ ﮯ ﮰﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﮊ. (البقره: ١٨٩ ).

«درباره «هلالهاى ماه‏» از تو سؤال مى‏كنند، بگو: «آنها، بيان اوقات (و تقويم طبيعى) براى (نظام زندگى) مردم و (تعيين وقت) حج است‏». و (آن چنان كه در جاهليت مرسوم بود كه به هنگام حج، كه جامه احرام مى‏پوشيدند، از در خانه وارد نمى‏شدند، و از درب پشت خانه وارد مى‏شدند، در حالى كه آن را تقرب به خدا مى‏دانستيد نكنيد!) كار نيك، آن نيست كه از پشت خانه‏ها وارد شويد، بلكه نيكى اين است كه پرهيزگار باشيد! و از در خانه‏ها وارد شويد و تقوا پيشه كنيد، تا رستگار گرديد».

وهنگامی که از انفاق سؤال می‌کنند خداوند عزو جل می‌فرماید:ﮋﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﮊ . (البقره: ٢١٥). «از تو سؤال مى‏كنند چه چيز انفاق كنند؟ بگو: «هر خير و نيكى (و سرمايه سودمند مادى و معنوى) كه انفاق مى‏كنيد، بايد براى پدر و مادر و نزديكان و يتيمان و مستمندان و درماندگانِ راه باشد. و هر كار خيرى كه انجام دهيد، خداوند از آن آگاه است».

و آنگاه که از جنگ کردن در ماههای حرام می‌پرسند خداوند می‌فرماید: ﮋ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮊ. (البقره: ٢١٧).

«از تو، در باره جنگ كردن در ماه حرام، سؤال مى‏كنند، بگو: «جنگ در آن، (گناهى) بزرگ است، ولى جلوگيرى از راه خدا (و گرايش مردم به آيين حق) و كفر ورزيدن نسبت به او و هتك حرمت مسجد الحرام، و اخراج ساكنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است، و ايجاد فتنه، (و محيط نامساعد، كه مردم را به كفر تشويق و از ايمان باز مى‏دارد) حتى از قتل بالاتر است. و مشركان، پيوسته با شما مى‏جنگند، تا شاید بتوانند شما را از آيينتان برگردانند; ولى كسى كه از آيينش برگردد، و در حال كفر بميرد، تمام اعمال نيك (گذشته) او، در دنيا و آخرت، برباد مى‏رود، و آنان اهل دوزخند، و هميشه در آن خواهند بود».

و هنگامی که از شراب و قمار می‌پرسند، خداوند می‌فرماید: ﮋﯣ ﯤ ﯥ ﯦﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﮊ. (البقره: ٢١٩).

«در باره شراب و قمار از تو سؤال مى‏كنند، بگو: «در آنها گناه و زيان بزرگى است; و منافعى (از نظر مادى) براى مردم در بردارد; (ولى) گناه آنها از نفعشان بيشتر است. و از تو مى‏پرسند چه چيز انفاق كنند؟ بگو: از مازاد نيازمندى خود. اينچنين خداوند آيات را براى شما روشن مى‏سازد، شايد انديشه كنيد».

و هنگامی که از قیامت می‌پرسند خداوند متعال جواب می‌دهد: ﮋﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕ ﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﰚ ﮊ (الأعراف: 187).

«درباره قيامت از تو سؤال مى‏كنند، كى فرا مى‏رسد؟! بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است; و هيچ‏كس جز او (نمى‏تواند) وقت آن را آشكار سازد; (اما قيام قيامت، حتى) در آسمانها و زمين، سنگين (و بسيار پر اهميت) است; و جز بطور ناگهانى، به سراغ شما نمى‏آيد!» (باز) از تو سؤال مى‏كنند، چنان كه گويى تو از زمان وقوع آن باخبرى! بگو: «علمش تنها نزد خداست; ولى بيشتر مردم نمى‏دانند».

**اما هنگامی که در مورد خداوند از پیامبر ص پرسیدند که چگونه او را بخوانند و راه رسیدن به وی کدام است جواب آمد و کلمة (قل: يعنى بگو) در آن نبود و این آیه بیان می‌کند که واسطه‌ای میان بنده و پروردگارش نیست و خدا به بندگانش نزدیک است و آنگاه که وی را بخوانند، اجابت می‌کند.**

خداوند صاحب جلال و عظمت می‌فرماید: ﮋ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﮊ (البقره: 186).

«و هنگامى كه بندگان من، از تو درباره من سؤال كنند، پس من نزديكم! دعاى دعاكننده هنگامى كه مرا مى‏خواند، پاسخ مى‏گويم! پس بايد دعوت مرا بپذيرند، و به من ايمان بياورند، تا راه يابند (و به مقصد برسند)».

سید محمّد حسین فضل الله تعلیق زیبایی بر این آیه دارد که می‌گوید: «واسطه‌ای میان عبد و پروردگارش در سؤال و خطاب وجود ندارد. و گاهی توجه انسان را به وحدانیّت در عبادت و کمک خواستن از خدا ملاحظه می‌کنیم. مثلاً در خطاب بنده نسبت به پروردگارش که می‌گوید: «تنها تو را می‌پرستم و تنها از تو یاری می‌جویم». ((إیاک نعبد و إیاک نستعین))

همانا انسانها در گفتگو و مناجات با خدا و طلب و درخواست از وی نیاز به هیچ واسطه بشری وغیر بشری ندارند. چون خداوند از بنده‌اش دور نیست و هیچ فاصله‌ای میان بنده با خدا نیست جز فاصله ها و واسطه هایی که بنده خودش قرار داده تا خود را از رحمت خدا دور کند. و دعایش را زندانی کرده و نمی‌گذارد که نزد پروردگارش بالا برود. بلکه خداوند از بندگان خواسته که او را مستقیماً و بدون واسطه بخوانند تا دعای آنها را اجابت کند. و از نزدیک بودن خودش به بندگان، آنها را با خبر ساخته، به گونه‌ای که کلام بندگان را حتی اگر پچ پچ و وسوسه‌های درونی باشد، می‌شنود. و به همین علت است که خداوند می‌فرماید: ﮋﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﮊ.

و همچنین می‌فرماید: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﮊ (ق: 16)[[14]](#footnote-14).

«ما انسان را آفريديم و وسوسه‏هاى نفس او را مى‏دانيم، و ما به او از رگ قلبش نزديكتريم».

ای کسانی که ايمان آورده‌ايد مثل کسانی نباشيد که کفر ورزيدند

قرآن کریم امتحان امّتهای گذشته را برای ما بیان می‌کند نه جهت آرامش و آسایش بلکه جهت عبرت گرفتن و موعظه کردن و باز داشتن از آن کارهایی که گمراهان انجام داده‌اند وگر نه ما هم دچار همان عاقبتی می‌شویم که آنها شدند. خداوند حقیقتاً خبر مشرکان را برای مؤمنین بیان کرده، مشرکانی که خداوند پیامبرش را به میان آنها فرستاد تا دیدگان آنها را روشنایی بخشید و آنها را از شرک به ایمان داخل كند.

و خدا بیان کرده که همان مشرکان معتقد بودند که خداوند خالق آسمانها و زمین است و او مردگان را زنده می‌کند و تدبیر امور در دست اوست. خداوند از زبان یکی از آنها می‌گوید: ﮋ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﮊ (زخرف:9). «هر گاه از آنان بپرسى: «چه كسى آسمانها و زمين را آفريده است؟» مسلّماً مى‏گويند: «خداوند قادر و دانا آنها را آفريده است».

و می‌فرماید: ﮋ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﮊ (مومنون: 84-89). «بگو: «زمين و كسانى كه در آن هستند از آن كيست، اگر شما مى‏دانيد؟!». بزودى (در پاسخ تو) مى‏گويند: «همه از آن خداست!» بگو: «آيا متذكر نمى‏شويد؟!». بگو: «چه كسى پروردگار آسمانهاى هفتگانه، و پروردگار عرش عظيم است؟». بزودى خواهند گفت: «همه اينها از آن خداست!» بگو: «آيا تقوا پيشه نمى‏كنيد (و از خدا نمى‏ترسيد و دست از شرك برنمى‏داريد)؟!». بگو: «اگر مى‏دانيد، چه كسى حكومت همه موجودات را در دست دارد، و به بى پناهان پناه مى‏دهد، و نياز به پناه‏دادن ندارد؟!». خواهند گفت: «(همه اينها) از آن خداست‏» بگو: «با اين حال چگونه مى‏گوييد سحر شده‏ايد (و اين سخنان سحر و افسون است)؟!».

و می‌فرماید: ﮋ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻﯼ ﯽ ﯾ ﯿﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﮊ.عنکبوت: 61-63). «و هر گاه از آنان بپرسى: «چه كسى آسمانها و زمين را آفريده، و خورشيد و ماه را مسخر كرده است؟» مى‏گويند: «الله‏»! پس با اين حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف مى‏سازند؟! خداوند رزق و روزى را براى هر یک از بندگانش که بخواهد زیاد مى‏كند، و براى هر كس که بخواهد محدود مى‏سازد; خداوند به همه چيز داناست. و اگر از آنان بپرسى: «چه كسى از آسمان آبى فرستاد و بوسيله آن زمين را پس از مردنش زنده كرد؟ مى‏گويند: «الله‏»! بگو: «حمد و ستايش مخصوص خداست!» اما بيشتر آنها نمى‏دانند».

و همچنین می‌فرماید: ﮋ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﮊ (یونس: 31).

«بگو: «چه كسى شما را از آسمان و زمين روزى مى‏دهد؟ يا چه كسى مالك (و خالق) گوش و چشمهاست؟ و چه كسى زنده را از مرده، و مرده را از زنده بيرون مى‏آورد؟ و چه كسى امور (جهان) را تدبير مى‏كند؟» بزودى (در پاسخ) مى‏گويند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پيشه نمى‏كنيد (و از خدا نمى‏ترسيد)؟!».

پس بنابراين مشکل کجاست؟!

این مشرکان حقیقتاً اقرار می‌کردند که خداوند، خالق و رازق و احیاء کننده و میراننده می‌باشد ولی با این وجود بعضی از عبادات را برای غیر خدا انجام می دادند، همچنانکه می‌فرماید: ﮋ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮊ. (یونس: 18). «آنها غير از خدا، چيزهايى را مى‏پرستند كه نه به آنان زيان مى‏رساند، و نه سودى مى‏بخشد; و مى‏گويند: «اينها شفيعان ما نزد خدا هستند!».

مشرکان می‌گفتند که خداوند، عظیم است و ما گناهکار و ناچاراً باید واسطه‌هایی میان ما و خداوند وجود داشته باشد پس واسطه‌هایی میان خود و خداى خود می‌گرفتند و دعا و کمک و قربانی و نذورات خود را نثار و تقديم این واسطه‌ها می‌کردند.

اگر جایز باشد این سؤال را از آنها پرسید، آیا باور دارید که این بتها اله و معبود بر حق شما هستند یا اینکه آنها واسطه‌هایی میان شما و معبودتان می‌باشند که مملوک خدا می‌باشند؟ آنها جواب می‌دهند که بله اینها مملوک پروردگار می‌باشند و برای همين ما دعاها و مددجویی‌ها و قربانیها و نذورات خود را صرف آنها می‌کنیم تا ما را به خداوند نزدیک کنند.

خداوند گفته مشرکان را نیز اینگونه بازگویی می‌کند: ﮋ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮊ (زمر:3). «آگاه باشيد كه دين خالص از آن خداست، و آنها كه غير خدا را اولياى خود قرار دادند، دليلشان اين بود كه: «ما اينها را نمى‏پرستيم مگر بخاطر اينكه ما را به خداوند نزديك كنند!».

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه جلد 1 ص 119 در مورد مشرکان مکّه نقل می‌کند که: (مشرکان در عبادت بتها با هم اختلاف داشتند، بعضی از آنها بتها را شریک خداوند می‌دانستند و به آن لفظ شریک می‌گفتند و از جمله سخنانشان در تلبیه اینگونه بود: (لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک إلاَّ شریکاً هو لک، تملکه وما ملک) و بعضی از بتها عنوان شریک بر آنها اطلاق نمی‌شد. بلکه بتها را وسیله و ابزاری برای رسیدن به الله قرار می‌دادند و اینها همان کسانی بودند که می‌گفتند: ﮋ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮊ.

خداوند در کتاب کریمش تناقضی را که مشرکان با آن زیسته‌اند بیان می‌کند آن هنگامی که مشرکان دچار سختی و ملامتی می‌شدند به فطرت اوّلیّه‌ای که بر آن خلق شده بودند باز می‌گشتند و دعا و نیایش و طلب را فقط خاص وی می‌گردانیدند ولی هنگامی که سختی و مشکل آنها بر طرف می‌شد به شرک خود باز می‌گشتند و برای خداوند شریکانی قرار می‌دادند در حالی که می‌دانستند که نافع و ضرر رساننده واقعی خداوند متعال می‌باشد.

خداوند می‌فرماید: ﮋﮠ ﮡﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮊ. «هنگامی که ضرری به انسان می‌رسد در آن حال به دعا و توبه به درگاه خداوند رود».

این همان دعای فطرت می‌باشد، سپس می‌گوید: ﮋ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﮊ (زمر: 8).

«اما هنگامى كه نعمتى از خود به او عطا كند، آنچه را به خاطر آن قبلا خدا را مى‏خواند از ياد مى‏برد و براى خداوند همتايانى قرارمى‏دهد».

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﮊ (اسراء: 67).

«و هنگامى كه در دريا ناراحتى به شما برسد، جز او، تمام كسانى را كه (براى حل مشكلات خود) مى‏خوانيد، فراموش مى‏كنيد».

این همان دعای فطرت می‌باشد سپس می‌گوید: ﮋ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﮊ (اسراء: 67).

«اما هنگامى كه شما را به خشكى نجات دهد، روى مى‏گردانيد، و انسان، بسيار ناسپاس است».

ﮋ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙﯚ ﯛﮊ (انعام: 40-41). «بگو: «به من خبر دهيد اگر عذاب پروردگار به سراغ شما آيد، يا رستاخيز برپا شود، آيا (براى حل مشكلات خود،) غير خدا را مى‏خوانيد اگر راست مى‏گوييد؟!. (نه،) بلكه تنها او را مى‏خوانيد! و او اگر بخواهد، مشكلى را كه بخاطر آن او را خوانده‏ايد، برطرف مى‏سازد، و آنچه را (امروز) همتاى خدا قرارمى‏دهيد، (در آن روز) فراموش خواهيد كرد».

ﮋ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮊ (یونس: 22).

«و گمان مى‏كنند هلاك خواهند شد، در آن هنگام، خدا را از روى اخلاص مى‏خوانند كه: «اگر ما را از اين گرفتارى نجات دهى، حتما از سپاسگزاران خواهيم بود!».

ﮋﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﮊ (عنکبوت: 65).

«هنگامى كه سوار بر كشتى شوند، خدا را با اخلاص مى‏خوانند (و غير او را فراموش مى‏كنند); اما هنگامى كه خدا آنان را به خشكى رساند و نجات داد، باز مشرك مى‏شوند».

ﮋ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮊ (لقمان: 32).

«و هنگامى كه (در سفر دريا) موجى همچون ابرها آنان را بپوشاند (و بالا رود و بالاى سرشان قرار گيرد)، خدا را با اخلاص مى‏خوانند; اما وقتى آنها را به خشكى رساند و نجات داد، بعضى راه اعتدال را پيش مى‏گيرند (و به ايمان خود وفادار مى‏مانند)».

ﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮊ (انعام: 63).

«بگو: چه كسى شما را از تاريكيهاى خشكى و دريا رهايى مى‏بخشد؟ در حالى كه او را با حالت تضرع (و آشكارا) و در پنهانى مى‏خوانيد; (و مى‏گوييد:) اگر از اين (خطرات و ظلمتها) ما را رهايى مى‏بخشد، از شكرگزاران خواهيم بود».

ﮋ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﮊ (یونس: 12).

«هنگامى كه به انسان زيان (و ناراحتى) رسد، ما را (در هر حال:) در حالى كه به پهلو خوابيده، يا نشسته، يا ايستاده است، مى‏خواند; اما هنگامى كه ناراحتى را از او برطرف ساختيم، چنان مى‏رود كه گويى هرگز ما را براى حل مشكلى كه به او رسيده بود، نخوانده است!».

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﮊ (روم: 33).

«هنگامى كه رنج و زيانى به مردم برسد، پروردگار خود را مى‏خوانند و توبه‏كنان بسوى او بازمى‏گردند; اما همين كه رحمتى از خودش به آنان بچشاند، بناگاه گروهى از آنان نسبت به پروردگارشان مشرك مى‏شوند».

معنای «**لا اله الا الله**» این نیست که خالقی غیر از خدا وجود ندارد بنابراین حتی آنهایی که با اسلام می‌جنگند معتقد هستند به اینکه هیچ خالقی به جز الله نیست.

لا اله إلا الله دارای ابعادی است که انسان جز در سایه انبیاء به آن نمی‌رسد و این انسان در تحریف و بد شکل کردن آن جدّیت به خرج داده تا جایی که آن را با تصورات مادّی محدود کرده و واسطه‌هایی را میان خالق و عبد ایجاد کرده است.

و داستان قوم نوح ؛ جز یک نماد بارز از چگونگی تحوّل و تغییر گروهی از اولیاء مثل (ودّ) و (یغوث) و (یعوق) و (نسر) به معبودهاى مورد پرستش چیز دیگری نیست و این تغییر و تحول در اثر مدت زمان و پس از نسلها ایجاد شده است.

ابن بابویه قمی در کتاب خود، علل الشرائع، جلد 1 صفحه 3 از حریز بن عبدالله سجستانی و جعفر بن محمّد در مورد این آیه: ﮋﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﮊ. نقل می‌کند و می‌گوید: اینها انسانهائی بودند که خدا را می‌پرستیدند و آنگاه که مردند قوم آنها ناراحت شدند و مرگ آنها بسیار برایشان سخت آمد و در این هنگام ابلیس (لعنه الله) نزد آنها آمد و گفت: بتهایی را به شکل این اشخاص بسازید تا بدانها بنگرید و بدان آرامش بیابید و خدا را عبادت کنید. پس بتهایی را در شکل این افراد برای آنها آماده کرد و اینان بدان نگریسته و خدا را عبادت می‌کردند. وقتی که زمستان و باران شروع شد بتها را داخل خانه‌ها برده و همچنان خدا را می‌پرستیدند تا زمانی که یک قرن سپری شد و فرزندان اینها گفتند که پدران ما این بتها را می‌پرستیدند پس آنها نیز این کار را کردند و برای این است که خداوند می‌فرماید: «آن قوم گفتند که خدایانشان از جمله ودّ و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نکنید»[[15]](#footnote-15).

عبارت «لا اله الا الله» آسانترین چیزی است که بر زبان جاری می‌شود ولی دلالت آن بر آنچه که امروزه تصور می‌شود بیشتر است. به همین خاطر خداوند فرموده: ﮋﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑﮊ. پس بدان (بفهم) که خدایی به حق جز خدای یگانه نیست و نفرموده: «فقل لا اله الا الله» پس بگو: خدايى به حق جز خداى يگانه نيست. چون منظور همان اقراری است که ما بیان کردیم یعنی شهادت ظاهری و باطنی بر اینکه خدا یکی است و کسی بحق جز او نیست.

پس معنای «لا اله الا الله» این است که هیچ معبود برحقی که شایسته پرستش باشد غیر از خدا وجود ندارد و هیچ روزی دهنده ای غیر از خدا نیست و هیچ مدبّری غیر او نیست. جز از خداوند متعال نمی‌ترسیم و جز بر او توکّل نمی‌کنیم و جز از او نمی‌خواهیم و. جز به او پناه نمی‌بریم و جز به سوى او تضرع نمی‌کنیم. و دستانمان را جهت دعا کردن جز برای او بلند نمی‌کنیم حتى برای انبیاء و اولیای وی.

حقیقتاً خداوند پیامبرانی را فرستاده که از آنها اطاعت کنیم نه اینکه از آنها مدد و کمک بخواهیم! ﮋ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮊ (نساء: 64).

«و ما هيچ پيامبرى را نفرستاديم مگر براى اين كه به فرمان خدا، از وى اطاعت شود».

خداوند پیامبران را فرستاده که از او خبر بدهند نه اینکه مردم را پیش وی ببرند. پس اینان رسولان خدا برای ما هستند نه رسولان ما برای خدا.! یعنی آنچه که خداوند خواسته برای ما بیان می‌کنند و به ما می‌رسانند.

صورت عبادتها يكى هستند ولى اسمها و شخصيت هایی كه پرستش می‌شوند مختلفند

ﮋﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﮊ (اعراف: 194).

«آنهايى را كه غير از خدا مى‏خوانيد (و پرستش مى‏كنيد)، بندگانى همچون خود شما هستند، آنها را بخوانيد، و اگر راست مى‏گوييد بايد به شما پاسخ دهند (و تقاضايتان را برآورده سازند)».

در این آیه بیان شده که مشرکان قدیم (عرب و عجم) همگی تنها بتها را به عنوان واسطه نمی‌گرفتند، بلکه عده‌ای از آنها از واسطه‌های بشری استفاده می‌کردند مثل مسیحیانی که مریم را به عنوان واسطه میان خود و خدا برگزیدند. او را صدا می‌زدند و از او مددجوئی و طلب کمک می‌کردند. در حالی که آنها در درون خود می‌دانستند و با زبان خود به آن اقرار می‌کردند و در کتابهایشان بیان می‌کردند که مریم به صورت خدايي نیست که پرستیده شود[[16]](#footnote-16).

انواع عبادت مثل هم هستند، ولی مسمی و شخصیاتی که پرستیده می‌شوند فرق می‌کنند. منظورم از این سخن این است که بعضی از آنهایی که واسطه‌هایی را میان خود و خدا می‌گیرند و بر آنها توکّل می‌کنند و از آنها مدد می‌جویند و برای آنها نذر و قربانی می‌کنند هنگامی که با آیات و احادیثی که در دینشان وجود دارد مواجه شوند، چه بسا که یکی از آنها با این سخن کلام شما را نقض می‌کند و می‌گوید. آیا نبی و امام و اولیاء را با بتها مقایسه می‌کنيد؟

برای شخص مسلمان ممکن نیست که نبی یا امامی از ائمه مسلمانان و یا انسان صالحی را به بتها تشبیه کند. چونکه می‌داند که این بزرگان راضی نیستند چه برای خودشان و چه برای دیگران که غیر خدا را بپرستند. همچنانکه خداوند می‌فرماید: ﮋ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙﮊ (آل عمران: 79 – 80).

«براى هيچ بشرى سزاوار نيست كه خداوند، كتاب آسمانى و حكم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگويد: «غير از خدا، مرا پرستش كنيد!» بلكه (سزاوار مقام او، اين است كه بگويد:) مردمى الهى باشيد، آن‏گونه كه كتاب خدا را مى‏آموختيد و درس مى‏خوانديد! (و غير از خدا را پرستش نكنيد!). و نه اينكه به شما دستور دهد كه فرشتگان و پيامبران را، پروردگار خود انتخاب كنيد. آيا شما را، پس از آنكه مسلمان شديد، به كفر دعوت مى‏كند؟!».

ولی تشابه از جهت کاری که دعاکننده انجام می‌دهد، حاصل شده است، اهل مکّه بتها را می‌خواندند و نذر قربانی خود را تقدیم آنها می‌کردند. تا آنها با نقشی که دارند بت‌پرستان را به خدا نزدیک کنند و این کسانی که به انبیاء و امامان و صالحین روی می‌آورند و از آنها دعا و کمک می‌خواهند و نذر خود را تقدیم آنها می‌کنند همان کار را انجام می‌دهند كه اهل مكه انجام مى‌دادند، تا به خداوند نزدیک شوند!

تفاوت حقیقی میان کسی که از مریم طلب کمک می‌کند و می‌گوید: یا مريم مقدس حاجت مرا بر آورده کن، با کسی که از فاطمه کمک می‌خواهد و می‌گوید: یا زهرا حاجتم را برآورده کن، چیست؟ ﮋﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﮊ (بقره: 118).

«دلها و افكارشان مشابه يكديگر است، ولى ما (به اندازه كافى) آيات و نشانه‏ها را براى اهل يقين(و حقيقت‏جويان) روشن ساخته‏ايم».

اهل بيت به دوستداران خود توسّل مشروع را آموخته‌اند

خداوند مؤمنین را تشویق کرده که به وسیلة عبادات تقوای الله را پیشه کرده و به او نزدیکی بجویند. ﮋﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﮊ (مائده: 35). «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهيزيد! و وسيله‏اى براى تقرب به او بجوئيد! و در راه او جهاد كنيد، باشد كه رستگار شويد».

شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌گوید: (خداوند در این آیه مؤمنان را مخاطب قرار داده و به آنها امر کرده که از وی بترسند یعنی از گناهان پرهیز کنند و به خدا توسّل جویید، یعنی از او طلب وسیله کنید که همان قربت می‌باشد)[[17]](#footnote-17).

و در تفسیر بشر آمده که برای رسیدن به ثواب الله، طاعت و عبادت وی را وسیله قرار دهید[[18]](#footnote-18).

و در تفسیر جوهر الثمین آمده که: (وسیله آن عبادتی است که برای رسیدن به ثواب الله و بهشت و رضایت وی انجام می‌دهند)[[19]](#footnote-19).

فخرالدین طریحی در تفسیر غریب القرآن ص 484 می‌گوید: ﮋﯕ ﯖ ﯗﮊ. «یعنی قربت خداوند و وسیله به معنای قربت می‌باشد».

و آل بیت ن بیان کرده‌اند که توسّل، اعمال صالح انسان است نه واسطه قرار دادن میان خود و الله. امام علی ابن ابی طالب در نهج البلاغه در مورد آداب توسل می‌گویند: (برترین وسیلة تقرب به سوی خداوند: تصدیق و اعتراف به یگانگی او و تصديق فرستاده اوست و جهاد و جنگیدن در راه حق تعالی است که سبب عزت و سرافرازی اسلام است، کلمه اخلاص که فطری و جبلّی است، و بر پا داشتن نماز که نشان ملیت دین اسلام است، و زکات که پرداخت آن واجب می‌باشد، و روزه ماه رمضان که سپر و دفاعى است در مقابل عذاب، و حج نمودن خانة خدا و بجا آوردن عمره که فقر و پریشانی را می‌زداید و گناه را می‌شوید. و صلة رحم که سبب افزایش مال و طول عمر است، و صدقه‌دادن، که صدقه پنهانی گناه را می‌زدايد و صدقه آشکار مردن بد را دفع می‌کند، و کارهای پسندیده که شخص را از مبتلا شدن به خواری و ذلت حفظ می‌کند)[[20]](#footnote-20).

و امام سّجاد که پاکترین و نابترین تعبیرها را در مورد توسّل و مددجویی در دعاهایش دارد، در دعایی که ابو حمزه ثمالی از او روایت می‌کند می‌گوید: (سپاس خداوند متعال را که هر وقت او را بخوانید اجابت می‌کند. و رازهایم را بدون شفیع با او در میان می‌گذارم، پس بارالها حاجتم را بر آورده کن و سپاس خداوند عزوجل که به غیر او کسی را نمی‌خوانم و اگر غیر از او کسی را بخوانم، اجابتم نمی‌کند)[[21]](#footnote-21).

و در مناجات آنهایی که خدا را اطاعت می‌کنند می‌گوید: (وسیله‌ای جز تو برای رسیدن به تو نداریم)[[22]](#footnote-22).

و همچنین می‌گوید: (تو تنها اجابت کننده من در مشکلات، و تنها پناهگاه من در سختیها هستی)[[23]](#footnote-23).

و همچنین می‌گوید: (در درخواستهایم کسی را شریک تو نمی‌کنم، و در دعاهایم کسی را همراه تو نمی‌کنم، و تنها کسی که او را صدا می زنم، تو هستی)[[24]](#footnote-24).

امام جعفر صادق می‌فرماید: (از کسانی که اندوهگین می‌شوند تعجب می‌کنم که چگونه از این فرموده خداوند نمی‌ترسند که می‌فرماید: ﮋ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮊ.

من شنیدم که خداوند دنبال آن مى‌فرمايد: ﮋ ﮨ ﮩ ﮪﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮊ (انبیاء: 88). «ما دعاى او را به اجابت رسانديم، و از آن اندوه نجاتش بخشيديم، و اين گونه مؤمنان را نجات مى‏دهيم».

و تعجب می‌کنم از انسانهاى مكار و نیرنگ‌باز که چگونه از این فرموده خداوند نمی‌ترسند: ﮋ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮊ.(غافر: 44). «من كار خود را به خدا واگذار میکنم كه خداوند نسبت به بندگانش بيناست!»

من شنیدم خداوند دنبال آن مى‌فرمايد: ﮋﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮊ. (غافر: 45). «خداوند او را از نقشه‏هاى سوء آنها نگه داشت».

و از دعاهای امام جعفر است که می‌گوید: (ای کسی که آسمانها و زمین تو را نمی پوشانند و هیچ سینه‌ای تو را از قلبها مخفی نمی‌کند و هیچ پناهگاهی تو را مخفی نمی‌کند و هیچ کوهی تو را در نهاد خود و هیچ دریایی تو را در عمق خود پنهان نمی‌کند. اى کسی که صداها بر تو مشتبه نیست و کثرت نیازها بر تو زیاد نیست و اصرار اصرارکنندگان تو را آزرده نمی‌کند)[[25]](#footnote-25).

و امثال این قبیل کارها فقط شایسته خداوند می‌باشد. اگر تمامی مخلوقات همگی پروردگارشان را بخوانند و از او مدد بجویند، صدای آنها بر پروردگار بندگان مشتبه نمی‌شود. و فراوانی نیازها و اصرار اصرارکنندگان بر وی سنگینی نمی‌کند. پس آیا آنهایی که ائمه را می‌خوانند و از آنها مدد می‌جویند این ویژگیها را دارند؟

آیا امام علی و امام رضا در طول حیاتشان صدای میلیونها انسان (در هند و پاکستان و عراق و بحرین و لبنان و ایران و کویت و غیره) را می‌شنوند یا حتّی بعد از مرگشان قادر به شنیدن آن هستند؟

**اهل بيت ن از الله سبحانه وتعالي مدد می‌جستند، شما از چه کسی مدد می‌جويید؟**

ابن بابویه قمی (ملقب به صدوق) در کتاب خود، توحید، صفحه 194 و کتاب الخصال ص 593 از سلیمان بن مهران از امام صادق از پدرش محمد باقر از پدرش علی بن حسین از پدرش حسین بن علی از پدرش علی ابن طالب روایت می‌کند که حضرت محمّد ص فرمود: همانا خداوند (99) اسم دارد که هر کس آنها را بر شمارد داخل بهشت می‌شود سپس اسامی زیادی را از جمله (الغیاث: به فریاد رسنده) ذکر کرد.

شیخ ابن فهد حلی در کتاب خود (عده الداعی) ص 307 در تفسیر اسم (الغیاث) در مورد خداوند می‌گوید: (الغیاث به معنای المغیث است به خاطر این به صورت مصدر آمده تا نشانگر کثرت و زیادی فریادرسی وی باشد که فریادرس مظلومین است و دعای درماندگان را برآورده می‌کند).

جای بسی تعجب است کسی که محتاج و نیازمند است، پروردگار را می‌خواند در حالی که پروردگار و خالق خود را به فراموشی سپرده است؟

هر مسلمانی می‌داند که شخص امام نیازمند خالق و براى او متواضع و محتاج وى می‌باشد. و هنگام نیاز از او کمک می‌جوید و شب و روز وی را می‌خواند پس چگونه بنده با دعا و مناجات روی به سوی امام آورده و آن خالق بخشنده و شنوای هر شکایت را رها می‌کند؟!

امام صادق مثال زیبایی را برای مسلمانان آورده که برای تأکید مثالش این جمله را ذكر مى‌كند که **«لا یستغاث إلاَّ بالله تعالی»«یعنی جز از خدا کمک و درخواست نمی شود»** و همانا که همه مخلوقات در برابر اين خالق عظیم ضعیف و متواضع هستند و این انسان قادر نیست نفعى را به خود برساند، يا اينكه ضررى را از خود دفع كند. ابن بابویه قمی در کتاب (التوحید) ص 230 از حسن عسکری در مورد «بسم الله الرحمن الرحیم» روایت می‌کند که: الله همان کسی است که هنگام نیازمندیها و سختیها و هنگامی که از همه جا قطع امید کرده، پرستیده می‌شود و هنگامی که هیچ وسیله‌ای جز او نمانده، گفته می‌شود (بسم الله) یعنی همه کارهایم را با یاری خداوند انجام می‌دهم که عبادت جز وی شایسته دیگری نیست، فریادرسی که هر گاه خوانده شود به فریاد می‌رسد و اجابت کننده‌ای که هر گاه وی را بخوانند، اجابت می‌کند. شخصی از امام صادق پرسید ای فرزند رسول الله، به من بگو الله کیست؟ امام صادق پاسخ داد که آیا تا بحال کشتی سوار شده‌ای؟ گفت: آری، امام گفت: آیا کشتی تو دچار شکستگی شده به گونه‌ای که کشتی دیگری نباشد که تو را نجات دهد، یا شناگری که تو را از آب در بیاورد؟ گفت: بله، امام گفت در آن موقع دلت به کسی خوش بود که تو را از آن ورطه نجات بدهد؟ گفت: آری. گفت: آن همان الله توانا و متعال می‌باشد که در صورت نبودن نجات دهنده، تو را نجات می‌دهد و قادر به یاری توست آنگاه که یاوری نباشد).

و در روایت دیگری آمده: (خدايي که هنگام نیاز و مشکلات، هر مخلوقی از تمام آنچه غیر اوست قطع امید می‌کند و وسیله‌های غیر او همه بریده می‌شوند و به این ترتیب تمامی رؤسای دنیا و بزرگواران آن هر چند که بی‌نیاز باشند و نیازی غیر از الله نداشته باشند نیازهایی پیدا می‌کنند که جز خداوند متعال کسی دیگر قادر به آن نیست. پس از غیر الله نا امید میشوند و به سوی او می‌آیند تا مشکلشان برطرف شود و آنگاه به شرک خود باز می‌گردند. امّا خداوند می‌شنود و می‌فرماید: ﮋﮟ ﮠﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﮊ. (أنعام: 40-41).

«بگو: به من خبر دهيد اگر عذاب پروردگار به سراغ شما آيد، يا رستاخيز برپا شود، آيا (براى حل مشكلات خود،) غير خدا را مى‏خوانيد اگر راست مى‏گوييد؟!. (نه،) بلكه تنها او را مى‏خوانيد! و او اگر بخواهد، مشكلى را كه بخاطر آن، او را خوانده‏ايد، برطرف مى‏سازد، و آنچه را که (امروز) همتاى خدا قرار مى‏دهيد، (در آن روز) فراموش خواهيد كرد».

پس خداوند به بندگانش می‌فرماید: ای نیازمندان به رحمت من، همانا من در همه حال نیاز را بر شما لازم می‌گردانم و ذلّت بندگی را در هر وقتی بر شما لازم می‌کنم. در هر کاری که مشکل پیدا می‌کنید مرا فریاد می‌کنید و عنایت و نهایت آن کار را می‌خواهید. پس من اگر خواستم که آنرا به شما عطا کنم کسی نمی‌تواند مانع من شود و اگر نخواستم که آنرا به شما بدهم کسی نمی‌تواند آن را به شما عطا کند پس من شایسته‌تر هستم که از من بخواهید و برتر هستم که به من تضرّع کنید، پس هنگام شروع هر کار کوچک و بزرگی بگوئید : «بسم‌الله الرحمن الرحیم» یعنی در این کار از خداوند کمک می‌گیرم که عبادت فقط شایسته اوست و فریادرس و اجابت کننده فقط اوست)[[26]](#footnote-26).

با تأمل در کلام امام صادق و امام عسکری در می‌یابیم آنهایی که هنگام سختیها به غیر الله پناه می‌برند چقدر از تعالیم آنها دور افتاده‌اند.

همان‌طور که بیان شد امام صادق برای آن مرد بیان کرد که رهاننده از سختیها و رنجها فقط خداوند می‌باشد و گفت که آیا در آن ورطه نابودی دریا، دلت بجایی بسته بود که تو را نجات دهد؟ گفت: آری و امام گفت: آن همان الله قادر متعال می‌باشد، آنجا که نجات دهنده‌اى نیست نجات می‌دهد و آنجا که فریادرسی نیست به فریاد می‌رسد و نگفت که اگر مصیبتی برای تو پیش آمد از زهرا تقاضای کمک کن یا از من بخواه که حاجتت را برآورده می‌کنم.

و با تأمل در این سخن امام صادق که به آن مرد گفت(آیا در آن ورطه نابودی دریا دلت به جایی بسته بود که تو را نجات دهد؟) در می‌یابیم که قلب پناهگاه شرک به خداوند نمی‌باشد پس کسانی که قلبشان هنگام سختیها و رنجها با انبیاء و ائمه و صالحان می‌باشد، کجا و موحد خدا شناسي که هنگام سختیها دلش فقط با الله است و او را می‌خواند و از او کمک می‌جوید و با تواضع و فروتنی از او يارى می‌خواهد، کجا؟ در حالی که می‌داند این خداوند است که قادر به زدودن و بر طرف کردن مشکل و ضرر اوست.

این دیدگاه اهل بیت ن در مورد این مسأله است که کاملاً روشن و آشکار می‌باشد مثل همان مسأله حاجت خواستن از غیر خدا که واضح و آشکار بود.

این امام علی بن حسین (زین العابدین) است که در نهایت تذلّل خداى خود را می‌خواند و می‌گوید: (بار الها تو سرور و مولای من هستی و من تنها یک عبدم و آیا جز مولی کسی به عبد رحم می‌کند؟! مولای من، سرور من تو عزیز و بزرگواری و من ذلیلم و آیا کسی جز عزیز به ذلیل رحم می‌کند؟! سرورم و مولای من تو خالقی و من مخلوق و آیا کسی جز خالق به مخلوق رحم می‌کند؟! مولای من و سرورم تویی بخشنده و من گدا آیا کسی جز بخشنده به گدا کمک می‌کند؟! مولای من و سرورم تویی فریادرس و من مظلوم و بیچاره و آیا کسی جز فریادرس به مظلوم رحم می‌کند؟![[27]](#footnote-27)‌‌.

تا به تمامی مردم اعلام کنند که خداوند فریادرس است و امام، مالک هیچ چیزی برای خودش نیست جز اینکه از خداوند متعال طلب یاری و رحمت و عفو و مغفرت کند.

امام محمّد باقر از جدة خود فاطمه زهرا روایت می‌کند و می‌گوید: (فاطمه دختر پیامبر ص بعد از وفات پدرش 60 روز درنگ کرد و بعد به شدت مریض شد و از دعاهای وی در زمان آه و ناله این بیماری است که می‌گوید: ای خداى همیشه زنده و جاوید! به رحمت خود مرا یاری ده، بارالها مرا از آتش جهنم دور بدار و مرا وارد بهشت ساز و به پدرم محمد ص ملحق کن)[[28]](#footnote-28).

پس نگاه کن که فاطمه زهرا ك، سرور زنان جهان به چه کسی پناه می‌برد و از او کمک می‌خواهد علی رغم محبّتی که نسبت به پدرش محمّد ص داشت از خداوند می‌خواهد که وی را به او ملحق سازد و از رسول الله ص مدد و کمک و درخواستی نکرد بلکه از پروردگار او و خدای خودش کمک خواست.

و این امام جعفر صادق است که نیاز خود را به خداوند آشکارا اعلام می‌کند و به او امیدوار است و می‌گوید: پروردگارا تو سخن مرا می‌شنوی و جایگاهم را می‌بینی و عالم به درون و برون من هستی و چیزی از امورات من بر تو پوشیده نیست و من بینوای فقیر و درمانده مظلوم و بیمناک دلسوزی هستم که به گناه خود اعتراف می‌کنم! ( پس ادعای عصمت برخی ها برای ائمه معنا ندارد) از تو مصرّانه به عنوان یک درمانده می‌خواهم و به عنوان یک گناهکار ذلیل به درگاهت گریه و زاری می‌کنم و به عنوان یک خائف بینوا تو را می‌خوانم دعای کسی که گردنش را برای تو فرو می‌آورد و اشکهایش را برای تو جاری می‌سازد و ترس و خوف را برای تو رام می‌سازد و در پیشگاه تو تضرع و زاری می‌کند. بارالها مرا جزو بدبخت‌ها قرار نده و برای من رئوف و مهربان باش، ای کسی که بهترین سؤال شونده و بهترین بخشنده هستی و سپاس برای پروردگار جهانیان)[[29]](#footnote-29).

و امام جعفر صادق به پیروانش نماز حاجت را می‌آموخت و می‌گفت: (وقتی که يك سوم شب سپری شد برخیز و دو رکعت نماز با سوره ملک بخوان و سپس برای خدا سجده کن و او را دعا کن و بگو: پروردگارا چشمها در خوابند و ستارگان چشمک می‌زنند و تو زنده وجاوید هستی و تو را خواب و چرت فرا نمی‌گیرد. و شبهای تاریک و آسمانهای برج‌دار و زمین هموار و دریای عظیم و پرآب و تاریکیهای پشت سر هم از تو پوشیده نیست. ای فریادرس نیکوکاران و فریادرس درماندگان، به رحمت خود مرا یاری ده)[[30]](#footnote-30).

پس بنگر که آن امام از که مدد می‌جوید و به درگاه چه کسی دعا می‌خواند؟

آن امام از پروردگارش یاری می‌جوید و پیروانش را می‌خواند که هنگام نیاز از خداوند کمک بخواهند نه از خود امام، و امام صادق خبر داده است که یاری جستن از خداوند متعال سنّت انبیاء از آدم تا خاتم محمد ص بوده است.

امام صادق می‌گوید که: (سه چیز است که در انبیاء از آدم تا زمانی که به پیامبر رسیده، تناسخ پیدا کرده و آن اینکه هنگامی که از خواب بر می‌خیزند بگویند: بار الها از تو ایمانی را می‌خواهم که قلبم به آن مژده بدهد، و یقینی را می‌خواهم تا بدانم جز آنچه که در سرنوشت من است برایم پیش نمی‌آید و مرا به قسمتی که برایم فراهم شده راضی بگردان تا دوست نداشته باشم آنچه را که عقب افتاده جلو بیاندازم و آنچه را که جلو افتاده عقب بیاندازم. ای همیشه زنده جاوید به رحمت خود مرا یاری ده، و مقامم را شایسته‌گردان و یک لحظه مرا به خود وانگذار و بر محمّد ص و آل او درود بفرست)[[31]](#footnote-31).

پس زمانی که انبیاء و آل بیت به خداوند پناه می‌برند و از او کمک می‌خواهند شما از چه کسی کمک می‌خواهید؟

ياری جستن از زهرا و ائمه، يا از خالق آنها؟

وقتی که مسلمانان در غزوه بدر نیاز به کمک پیدا کردند، خداوند متعال از دعای آنها خبر داده که می‌گوید: ﮋ ﭑﭒﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﮊ (انفال: 9).

«(به خاطر بياوريد) زمانى را (كه از شدت ناراحتى در ميدان بدر،) از پروردگارتان كمك مى‏خواستيد، و او خواسته شما را پذيرفت (و گفت): من شما را با يكهزار از فرشتگان، كه پشت سر هم فرود مى‏آيند، يارى مى‏كنم».

در حالی که پیامبر ص زنده بود و در میان آنها بود و نیز امام علی، و فاطمه ك در مدینه بود ولی با وجود آنها مسلمانان درخواستشان را فقط از خداوند عزوجل طلب کردند. چون که هیچ کس غیر از الله مالک نفع و ضرر نیست و محمّد ص بشر و مخلوقی است که مالک نفع و ضرری برای خود نیست پس چطور می‌تواند مالک نفع و ضرر دیگری شود؟!

خداوند از زبان فرستاده گرامیش محمّد ص کلامی را نقل می‌کند که متوجه تمامی مردم اعم از کافر و مسلمان می‌شود: ﮋ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕ ﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﰚ ﰛ ﰜ ﮊ. (كهف: 110).

«بگو: من فقط بشرى هستم مثل شما؛ (امتيازم اين است كه) به من وحى مى‏شود كه تنها معبودتان، معبود يگانه است؛ پس هر كه به لقاء و دیدار پروردگارش اميد دارد، بايد كارى شايسته انجام دهد، و هيچ كس را در عبادت پروردگارش شريك نكند».

و همچنین می‌گوید که: ﮋ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮊ (جن: 22-23)

«بگو: (اگر من نيز بر خلاف فرمانش رفتار كنم) هيچ كس مرا در برابر او حمايت نمى‏كند و پناهگاهى جز او نمى‏يابم؛ تنها وظيفه من ابلاغ از سوى خدا و رساندن رسالات اوست».

پس رسول، بشری است که از جانب خدا جهت تبلیغ فرستاده شده و کرامت و عظمت وی بخاطر این است که خداوند متعال وی را از میان سایر افراد بشر برگزیده است و او را برای نبوّت انتخاب کرده است. در اخلاق و رفتار و شخصیت نمونه و الگو است. ولی با وجود این عظمت برای خود یا دیگری مالک هیچ نفع و ضرری بجز مقدورات بشری نیست. (به نص قرآن کریم) پس با این وجود حال آنهایی که پایین مرتبه‌تر از پیامبر هستند و دارای فضیلت و علم کمتری نسبت به اولیاء و ائمه و صالحین هستند، چگونه می توانند به کسی نفع یا ضرری برسانند؟

این مثال در مورد پیامبر ص بود، و حال مثال دیگری در مورد ابراهیم ؛ که دوست خداست و خداوند در مورد او در قرآن می‌فرماید: ﮋ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸﮊ (ممتحنه: 4).

«براي شما سرمشق خوبي در زندگي ابراهيم و كساني كه با او بودند وجود داشت، در آن هنگامي كه به قوم (مشرك) خود گفتند: ما از شما و آنچه غير از خدا مي‌پرستيد بيزاريم، ما نسبت به شما كافريم، و ميان ما و شما عداوت و دشمني هميشگي آشكار شده است، تا وقتی كه به خداى يگانه ايمان بياوريد! جز آن سخن ابراهيم كه به پدرش (آزر) گفت: كه براي تو آمرزش طلب مي‌كنم، و در عين حال در برابر خداوند براي تو مالك چيزي نيستم(نمی توانم کاری برایت انجام دهم)، پروردگارا! ما بر تو توكل كرديم، وبه سوي تو بازگشتيم، همه‌ی فرجامها به سوي توست».

و همچنین عیسی ؛ آن پیامبر گرامی که بر دستان وی معجزه‌ها ایجاد می‌شد (مثل خلق به اذن خداوند، و زنده کردن مردگان به اذن خداوند) خدای عزوجل در مورد وی می‌فرماید: وقتی که مسیحیان می‌پنداشتند که حساب روز قیامت در دست عیسی مسیح است و این کار از طرف خداوند به او سپرده شده و اعتراف می‌کردند که او فرزند خداست و روح الله در مسیح تناسخ پیدا کرده همچنانکه در عقیده‌هایشان ثابت است خداوند چگونه دعای آنها را اجابت کند؟.

خداوند متعال می‌فرماید: ﮋ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞﯟ ﯠ ﯡ ﯢﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬﯭﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﮊ (مائده: 75-76).

«مسيح فرزند مريم، فقط فرستاده (خدا) بود؛ پيش از وى نيز، فرستادگان ديگرى بودند، مادرش، زن بسيار راستگويى بود؛ هر دو، غذا مى‏خوردند؛ (با اين حال، چگونه دعواى الوهيت مسيح و پرستش مريم را داريد؟!) بنگر چگونه نشانه را براى آنها آشكار مى‏سازيم! سپس بنگر چگونه از حق بازگردانده مى‏شوند. بگو: آيا جز خدا چيزى را مى‏پرستيد كه مالك سود و زيان شما نيست؟! و خداوند، شنوا و داناست».

خداوند متعال بیان کرده که مسیح بشری است که غذا می‌خورد و به او محتاج است و به کسی که او را خلق کرده نیازمند است و به او ضرر نیز می‌رسد آنگاه که خدا را فراموش کند. پس چگونه دعا و استغاثه و نذر و قربانیهای خود را تقدیم کسی می‌کنند که هیچ نفع و ضرری به دست او نیست. و نسبت به خداوند شنوا و دانایی که نجواهای آنها را می‌شنود و به درون آنها آگاه است خود را به جهالت می‌زنند.

و به این علت خداوند می‌فرماید: ﮋ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﮊ. (مائده: 17).

«بگو: اگر خدا بخواهد مسيح بن مريم و مادرش و همه كسانى را كه روى زمين هستند هلاك كند، چه كسى مى‏تواند جلوگيرى كند؟ (آرى،) حكومت آسمانها و زمين، و آنچه ميان آن دو قرار دارد از آن خداست؛ هر چه بخواهد، مى‏آفريند؛ (حتى انسانى بدون پدر، مانند مسيح) و او، بر هر چيزى تواناست».

برای اینکه بیان کند که مسیح ؛ و مادرش با وجود جلال و ارزش و منزلتی که دارند اگر خداوند متعال بخواهد آنها را هلاک کند، کسی نمی‌تواند جلو آن را بگیرد. پس اگر مسیح و مادرش نمی‌توانند ضرری را از خود برانند پس چطور دعا و استغاثه از آنها طلب می‌شود؟!

بنابراین انبیاء و ائمه و صالحان مالک نفع و ضرری برای خود نیستند. و کسی که دعا و استغاثه به درگاه آنها کرده و قربانی و نذورات خود را تقدیم آنها کند قطعاً به خداوند شرک ورزیده است.

پس این توجیه قرآنی زیبا را مشاهده می‌کنیم که می‌فرماید: ﮋ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﮊ (محمد: 19).

«پس بدان كه معبودى بحق جز «الله‏» نيست؛ و براى گناه خود استغفار كن».

و نفرموده: «فقل لا اله إلاَّ الله» بگو: كه هيچ معبودى بحق جز الله يكتا نيست (فاعلم): يعنى بدان، زيرا کلمه «لا اله إلاَّ الله» راحت‌تر بر زبان جاری می‌شود ولی فهم معنا و منظور این آیه و مجسم کردن آن بر روی زمین و تحقق معنای آن هدفِ مورد نظر می‌باشد.

این برای کافران مکّه راحت بود که بگویند «لا اله إلاَّ الله» ولی آنها می‌دانستند که چیزی که از آنها خواسته شده بیش از مجرد و فقط ادای این جمله و گفتن آن می‌باشد آنها ایمان داشتند که خدا خالق آنهاست همچنانکه خداوند می‌فرماید: ﮋ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﮊ. و ﮋﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﮊ. و قبول داشتند که خداوند خالق و آفریننده آسمان و زمین است.

ولی آنها خداوند را با پادشاهان زمان خود و زمانهای دیگر مقایسه می‌کردند که آنها به کسی اجازه ورود نمی‌دادند مگر اینکه واسطه مقّرب و نزدیکی نزد وی داشته باشند "نعوذ بالله" خدای عزوجل را با پادشاه و سلطان که نیاز به واسطه دارد مقایسه می کردند و مشکل برخی شیعیان همین است که خدای عزوجل را با شاه و سلطان امروزی مقایسه کرده و میگویند همانطور که شاه و سلطان نیاز به واسطه دارد خداوند هم نیاز به واسطه و میانجی دارد؛ حاشا و کلا که چنین باشد زیرا خداوند عزوجل عالم به غیب است و از حال همه بندگان و نیازهایشان خبر دارد و هر شخصی مستقیما می تواند خواسته اش را با خدا در میان بگذارید بر عکس یک پادشاه (که اصلا قابل مقایسه نیست و خداوند بلندمرتبه تر از چنین مقایسه ای است) که از همه جا بی خبر است و از رعیت و مردم خویش خبر ندارد و هیچ کسی بدون واسطه نمی تواند پیام خودش را به ایشان برساند، ضمن اینکه خدای عزوجل بارها در قرآن گفته که من به شما نزدیک هستم، این یعنی چه؟ یعنی نیازی به واسطه نیست! خدا گفته من از همه چیز شما خبر دارم و شنوا و بینا هستم، متأسفانه مردم عوام هم که کمتر به آیات قرآنی و زبان عربی و احادیث ائمه آشنایی دارند فریب چنین استدلال های پوچ و بی ارزشی میخورند و به سادگی باور میکنند، در حالی که حتی ائمه خودشان هم از کسانی که به آنها توسل می جویند یا به درگاه آنها روی می آورند اعلان بیزاری کرده اند و گفته اند فقط از خدا بخواهید و فقط از خدا درخواست کمک و مدد کنید.

مشرکان قریش هم می‌گفتند: خداوند، بسیار عظیم و عزیزتر از آن است که ما چیزی را از وی بخواهیم و خداوند شأنی والا دارد و ما گناهکاریم، چطور می‌توان مستقیماً از وی طلب کرد؟ بایستی که واسطه‌هایی باشند که شفاعت ما را بکنند و خداوند از این داستان آنها خبر داده است و می‌فرماید: ﮋ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮊ (زمر: 3).

«و آنها كه غير خدا را اولياى خود قرار دادند و دليلشان اين بود كه: اينها را نمى‏پرستيم مگر بخاطر اينكه ما را به خداوند نزديك كنند(و واسطه ما قرار گیرند)».

یعنی ما عبادت (دعا و نذر و قربانی) خود را تقدیم آنها می‌کنیم تا ما را به خداوند نزدیک کنند. و هچ شکی نداشتند که چه کسی آنها را خلق کرده و چه کسی روزیِ آنها را می‌دهد و هنگام سختیها به آنها کمک می‌کند، همه به اتفاق قبول داشتند که خداوند روزی دهنده و آفریننده آنها و زمین و آسمان است و قبول داشتند که در سختی ها مثلا در میان امواج دریاها هیچ فریادرسی به جز خداوند سبحان نیست.

ولی آیا خداوند این ایمان را از آنها قبول می‌کند؟ و آیا این اقرار آنها به خداى یگانه با وجود شریک قرار دادن دیگری در دعا و عبادت نفعی برای آنها دارد؟

خداوند در مورد آنها و کسانی که از آنها پیروی می‌کنند می‌فرماید: ﮋﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ (یوسف: 106).

«و بيشتر آنها كه مدعى ايمان به خدا هستند، مشركند!».

پس اقرار آنها به خداوند نفعی برای آنها ندارد چون عبادت را متوجه دیگری می‌کنند.

فلان و فلان از عشیره پیامبر ص نزد خداوند گرامی نیستند، مگر اینکه از شرک اعلام بیزاری کرده باشند. و از آن کناره گرفته باشند در دین اظهار محبّت نسبت به مشرکان وجود ندارد. ابولهب عموی پیامبر ص بود ولی این فامیلی و خویشاوندی نفعی برای وی نداشت چون به خداوند شرک می‌ورزید، پس کسانی که ادعا می کنند که اهل بیت فقط بخاطر نسبت و خویشاوندی آنها با رسول خدا ص می توانند کاری برای آنها انجام دهند یا حاجت آنها را برآورده سازند، سخنی است بدون پایه و اساس و دلیل زیرا اگر قرار بود که قرابت تنهایی به کسی نفع برساند اولین شخصی که به ایشان نفع می رسید ابولهب عموی پیامبر بود، در حالی که می بینید قرآن صراحتا جایگاه ایشان را در جهنم تعیین کرده است، همچنین بارها از پیامبر ص خطاب به فاطمه نقل شده که: ای فاطمه من در آخرت هیچ کاری نمیتوانم برای تو انجام دهم، یعنی کار نیک است که به شما نفع می رساند و مقام و منزلت شما را بالا می برد نه قرابت. پس کسی که به غیر الله استغاثه بَرَد و در آنچه که جز الله کسی قادر به انجام آن نیست از دیگری کمک بخواهد و نذر خود را تقدیم غیر الله کند و از مردگان دعا بخواهد قطعاً برای خداوند متعال شریک قائل شده است.

و بشر امروز گرامیتر از قوم نوح ؛ نزد خداوند نیستند آنگاه که به وی مشرک شدند، همگی آنها را هلاک گردانید، جز عده کمی از مؤمنان که نجات یافتند. خیلی از آنهایی که غیر الله را می‌خوانند و از غیر خدا کمک می‌طلبند، با وجود آنکه خود را مسلمان و منتسب به اسلام می‌دانند ولی این اسمی است که بهره‌ای از حق نبرده و اصلاً توحید با شرک سازگاری ندارد چقدر خداوند متعال این انسانها را سرزنش می‌کند که پایه‌های گمراهی را بنیان می‌نهند و می‌فرماید: ﮋﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﮊ (یونس: 60).

«خداوند نسبت به همه مردم فضل (و بخشش) دارد، اما اكثر آنها سپاسگزارى نمى‏كنند».

می‌فرماید: ﮋ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮊ (شعراء: 8)**.**

«ولى بيشترشان هرگز مؤمن نبوده‏اند».

ومی‌فرماید: ﮋ ﭰﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶﮊ (زخرف:78)

«ما حق را براى شما آورديم ولى بيشتر شما از حق كراهت داشتيد».

و می‌فرماید: ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ. (يوسف: 106). «و بيشتر آنها كه مدعى ايمان به خدا هستند، مشركند».

و آیات در این مورد زیاد می‌باشند.

منتسب شدن شخصی به اسلام برای وی شرف و افتخار می‌باشد. ولی هنگامی که برای خدا شریک قرار دهد و شریکانی را در دعا کردن هنگام سختی و سستی برای وی قرار بدهد خداوند متعال از ایمان او و عبادت و اسلام او بی‌نیاز است.

خداوند می‌فرماید: ﮋ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ (زمر: 7).

«اگر كفران كنيد، خداوند از شما بى‏نياز است».

و همچنین می‌فرماید: ﮋ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮊ (ابراهيم: 8).

«اگر شما و همه مردم روى زمين كافر شويد، (به خدا زيانى نمى‏رسد، چرا كه) خداوند، بى‏نياز و شايسته ستايش است!».

پس برای انسان درست نیست که به عنوان و لقبی ملقب شود ولی معنا و مفهوم آنرا رها کند، به عبارت «لا اله الا الله» تمسّک بجوید ولی در حرکات و سکناتش به معنای این عبارت طعنه بزند، و شب و روز به خداوند شرک بورزد و تصور کند که فقط شهادت لفظ «لا اله الا الله» او را از آتش جهنم و کیفر دنیا و آخرت می‌رهاند و نجات می‌بخشد.

یک بار کتاب «اکسیر الدعوات»[[32]](#footnote-32) را که کتاب دعاست و میان شیعه‌ها خیلی رایج است برداشتم و در این کتاب عنوان «استغاثه از فاطمه ك، را بارها مشاهده کردم که مؤلف در آن جا گفته بود؛ (در شهر مکه دو رکعت نماز می‌خوانی و بعد از اینکه سلام دادی، 3 بار الله اکبر بگو و زهرا را به پاکی یاد کن و به سجده برو و صد بار بگو: ای مولای من یا زهرا کمکم کن!، سپس طرف راست صورتت را بر زمین بگذار و دوباره آن عبارت را تکرار کن و سپس به سجده برگرد و دوباره آن عبارت را تکرار کن، سپس طرف چپ صورتت را بر زمین بگذار و دوباره آن عبارت را تکرار کن و سپس به سجده برگرد و آن عبارت را صد و ده بار تکرار کن و نیازت را بگو که به اذن خداوند حاجتت برآروده می‌شود)!

میان کسانی که از مخلوق کمک می‌گیرند، مخلوقی که مالک حیات و مرگ خويش نیست و مالک رزق و روزی خود نیست تا آن را به دیگری بخشد، و میان کسی که از خداوند، كه فریادرس است کمک می‌گیرد و او را اجابت می‌کند و سختی را از او می‌زداید، فرق آشکاری وجود دارد.

آيا الله سبحانه وتعالي برای بنده‌اش کافی نيست که حاجتش را برآورده سازد؟

خداوند همان خالق بی‌نیازی است که مخلوقات در سختی و مشکلات به او پناه می‌آورند (حقیقت فطرتی که خداوند مردم را بر آن خلق کرده است) و شخص مسلمانی که دین وی را می‌شناسد به او ایمان می‌آورد.

کلینی در کافی از داود بن قاسم جعفری روایت می‌کند که گفت: (به ابی جعفر ثانی گفتم: فدایت شوم، صمد کیست؟ گفت: (کسی که کم و زیاد به او نیازمند باشد)[[33]](#footnote-33).

و کلینی بر آن تعلیقی را آورده که می‌گوید: (خداوند همان است که تمام مخلوقات اعم از جن و انس هنگام نیازمندیها از او طلب می‌کنند و هنگام سختیها به او پناه می‌آورند و هنگام مشکلات به او امیدوارند و از وی طلب نعمت می‌کنند)[[34]](#footnote-34).

از امام جعفر صادق روایت شده، که هر گاه از امری ترسیدی بگو: بارالها هیچ کس بی‌نیاز از تو نیست و تو از تمام آنهایی که خلق کرده‌ای بهتر و برتر هستی، پس برای من فلان چیز را فراهم کن. و در یک روایت دیگر آمده که ای کسی که از همه چیز بی‌نیاز هستی و هیچ چیز از تو بی‌نیاز نیست[[35]](#footnote-35).

این امامان کجا و آنهایی که می‌گویند: «یا محمد یا علی مرا کفایت کن و یا میگویند یا مهدی ادرکنی! چون شما کفایت کننده هستید یا محمد یا علی مرا حفظ کنید چون شما حافظانید یا محمد یا علی مرا یاری دهید چون شما یاری دهندگانید. ای مولای من، یا صاحب الزمان، کمکم کن، کمکم کن، مرا درک کن، و مرا پناه ده»، کجا؟!

{متأسفانه تشیع به انحراف کشیده شده است، در حالی که شیعیان حقیقی و علوی (نه شیعیان رافضی و صفوی) پیرو ائمه بوده اند که سخنان ائمه تا الآن در کتاب های خود شیعیان هست ولی متأسفانه به دلایلی که برای همگان معروف است به آن عمل نمی شود، اگر بارگاه امام رضا و معصومه و عبدالعظیم و غیره نباشد کاسبی و بازار عده ای کساد می شود که بر همگان روشن است و به همین دلیل حاضر نیستند حقایق به دست مردم برسد و همیشه از آگاهی مردم واهمه دارند و با تهدید و ارعاب عده ای هم که آگاهی می یابند، اما عده‌ی اندکی هستند که حاضرند راه درست و صحیح را بعد از آنکه فهمیدند اختیار کنند که آنها نیز مجبور میشوند عقاید خود را بعد از تغییر پنهان کنند.

به محض اینکه شخصی این حرفها را بگوید: میگویند: وهابی شده است در حالی که این سخنان همه اش از کتاب های خود شیعیان بوده و از قرآن کریم می باشد و هیچ ربطی به وهابیت و محمد بن عبدالوهاب ندارد، هر چند که محمد بن عبدالوهاب چیزی اضافه بر آنچه ذکر کردیم نگفته اند و چیزی از خودشان نگفته اند، این سخنان امامان شیعه و قرآن کریم می باشد که عده ای نمیخواهند به دست مردم برسد و با بر پا کردن هیولای وهمی و خیالی به نام وهابیت مردم را از حقایق دور نگه داشته اند.

جناب آیت الله مکارم شیرازی هم مرتب مغلطه کاری میکنند و مردم را فریب میدهند و میگویند: وهابی ها زیارت قبور را حرام می دانند و به کسی اجازه زیارت قبور نمی دهند!! در حالی که تمامی علمای اهل سنت اعم از سعودی و غیر سعودی اتفاق دارند که زیارت قبر مستحب و سنت است و باعث یادآوری آخرت می شود، و تمامی علمای اهل سنت از قدیم الأیام تا الآن با قبر پرستی و خاک برداری از قبور و به سر و صورت زدن و آسیب رساندن به بدن مخالف بوده اند و آن را جایز نمی دانند و این هیچ ربطی به علمای سعودی یا به قول ایشان وهابی ندارد، تمامی علمای شافعی و حنبلی و حنفی و مالکی از قدیم الأیام در کتاب هایشان با استدلال به آیه های صریح قرآن کریم ذکر میکنند که درخواست از غیرخدا جایز نیست، ولی مشکل جناب آیت الله چیز دیگری است زیرا می دانند که مردم پی به حقایق می برند و بازار خمس ایشان کساد می شود، خمس در قرآن کریم یکبار آمده که آنهم در مورد غنایم جنگی است که اهل سنت هم به چنین خمسی اعتقاد دارند که بعد از جنگ غنایم بدست آمده از کفار به صورت خمس که در قرآن آمده تقسیم میشود، جالب اینجاست که وقتی شیعیان بخواهند خودشان این پول را به فقرا بدهند میگویند: نخیر جایز نیست باید به ما تحویل دهید تا ما مصرف کنیم! یعنی حتما باید به جناب مرجع تقلید تحویل دهند! در حالی که نزد اهل سنت هر شخصی خودش میتواند زکات مالش (دو و نیم درصد در سال) را مستقیما به فقرا بدهد و لزومی ندارد که به شیخ و مولوی و ملا تحویل دهد، امیدواریم که به کتاب خمس نوشته استاد حیدر علی قلمداران قمی که در سایت کتابخانه عقیده هست مراجعه کرده و حقیقت خمس را بدانید، امیدواریم که شیعیان بیدار شوند زیرا ما فقط قصد بیدار کردن آنها را داریم تا از شر کسانی که به نام دین از مردم سو استفاده می کنند نجات یابند، گاهی اوقات می گویند: که وهابی ها همه را نعوذ بالله کافر می شمارند! و جز خودشان را مسلمان نمی دانند! خدمت ایشان و تمامی شیعیان علوی عزیز عرض می کنیم که تمامی علمای اهل سنت با شیعیان علوی هیچ مشکلی ندارند بلکه آنها را مسلمان دانسته و آنها را برادر دینی خود می دانند، و اگر گاهی تندی از برخی علمای اهل سنت صورت می گیرد مقصود آنها شیعیان رافضی(به قول دکتر علی شریعتی: شیعه صفوی) می باشد، که اعتقاد به تحریف قرآن دارند و یا برای خدا شرک می ورزند و صحابه و یاران رسول الله را کافر می دانند یا به آنها سب و دشنام میدهند، اما عوام شیعیان خوب هستند و کسی آنها را کافر ندانسته و اگر هم اشتباهاتی از آنها رخ می دهد بخاطر این است که آنها نمی دانسته اند یا نمیدانند و دلیل ندانستن آنها هم همین اشخاص هستند که حقایق را از مردم و عوام الناس که گناهی ندارند پنهان می کنند یا معلومات تاریخی اشتباه به آنها داده اند که باعث شده نسبت به فدائیان رسول الله (صحابه) بدگمان شوند و آنها را دشنام دهند.}. [[36]](#footnote-36)

و خداوند از آنها می‌پرسد: آیا الله برای شما کافی نیست؟

آیا برای اینها کافی نیست که پروردگارشان پناه و فریادرس آنها باشد؟ همان کسی که از او یاری می‌خواهند و از او طلب امنیّت و کمک می‌کنند آیا الله برای آنها کفایت نمی‌کند که دیگری را با او شریک می‌گردانند؟!

خداوند می‌فرماید: ﮋ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟﯠ ﯡ ﯢ ﯣﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫﮊ (زمر: 38). «و اگر از آنها بپرسى: «چه كسى آسمانها و زمين را آفريده؟» حتما مى‏گويند: «خدا!» بگو: «آيا هيچ وقت درباره معبودانى كه غير از خدا مى‏خوانيد انديشه مى‏كنيد كه اگر خدا زيانى براى من بخواهد، آيا آنها مى‏توانند گزند او را برطرف سازند؟! و يا اگر رحمتى براى من بخواهد، آيا آنها مى‏توانند جلو رحمت او را بگيرند؟!» بگو: «خدا مرا كافى است، و همه متوكلان تنها بر او توكل مى‏كنند!».

همانا شخص مسلمان با ندا و دعای خود از خداوند نه غیر او، از او می‌خواهد که نیازهایش را بر طرف کند و اندوهش را رفع نماید چونکه آن شخص می‌داند که طلب کمک و یاری از غیر خداوند (در آنچه که مقدور بندگان نیست) عبادت برای غیر الله است.

**لقد وقفت على روايات مكذوبة تحكي حقيقة المأساة ، مأساة التوجه لبشر لا يملكون لأنفسهم ولا لغيرهم نفعاً إن أراد الله بهم ضراً ، ولا يملكون لأنفسهم حياة ولا نشوراً.**

در حقیقت به روایتهای دروغین بر خورد کردم که توجه كردن به بشر را بازگو می‌كند، بشری که نمی‌تواند نفعی را به خود یا دیگری برساند، اگر خدا اراده کند که به وی ضرر برسد، و اين انسانها مالک حیات و ممات خود نیستند.

پس آن روایات را به هر امامی اختصاص داده‌اند و برای هر کدام وظیفه‌ای در نفع و ضرر بیان کرده‌اند. (علی بن الحسین برای نجات از سلاطین و طلسم شیاطین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد برای آخرت و آن عبادتهایی که شایسته الله است و موسی بن جعفر که توسط او از خداوند سلامتی می‌جوئیم و علی بن موسی که از او سلامت دریا و بیابان طلب می‌شود و محمّد بن علی که رزق به وسیله او از طرف خداوند پائین می‌آید و علی بن محمّد برای بخشش و نیکی به برادران و طاعت خداوند و حسن بن علی برای آخرت و اما صاحب الزمان (مهدی) هر گاه شمشیری به تو رسید از او کمک بخواه که یاریت می‌دهد)[[37]](#footnote-37).

سپس مجلسی صاحب بحار الانوار، دعایی را که در بر دارنده استغاثه از ائمه به نحوی که گفته شد به آن روایت الحاق می‌کند[[38]](#footnote-38).

بسیاری از دعاها، چنين هستند و ائمه به عنوان فریادرس و پناه دهنده‌ای که دعای زیارت کنندگان اینگونه آنها را وصف می‌کند، مطرح می‌شوند: (قاضیان احکام و دروازه‌های ایمان و محلهای بخشش، به وسیله چه کسی نجات قطعی و حتمی است، کاری نیست که شما سبب آن نباشید برای رسیدن به خداوند وسیله نباشید پس هیچ نجات و گریزگاهی جز شما نداریم و هیچ مذهبی جز شما نداریم. ای چشمان نظاره‌گر خداوند متعال)[[39]](#footnote-39).

یکی از اینها فریاد می کشد: (یا حسین و یا علی و یا مهدی و شاید یا عباس) و از اینها مدد می‌جویند تا نیازهایش را بر طرف کند یا مشکلی را که از آن عاجز شده رفع نماید.

پس می‌بینم که یکی (یا علی مدد) زمزمه می‌کند و دیگر ندای (یا حسین کمکم کن) سر می‌دهد و آن یکی نزد مرقد امام رضا رفته و سر مرقد گریه می‌کند و خود را به ضریح می‌مالد و آن را می‌بوسد و از صاحب قبر کمک می‌خواهد و برای او نذر می‌کند!!

و همچنین معتقد است که امام کاظم باب الحوائج است و دعای خود را متوجه وی می‌کند بدون اینکه از آن خالق زنده لایموت بخواهد!

این اعمال مرا به این سوال که: چگونه یک مسلمان روزی 17 بار در نمازهای روزانه خود این کلام الله سبحانه وتعالي را تکرار می‌کند که تنها تو را می‌پرستم و تنها از تو یاری می‌جویم (سوره حمد) و هنگامی که خواست برای رفع نیازهایش از کسی کمک بگیرد به مخلوقی مثل خود پناه می‌برد بدون اینکه کمترین اهمیتی به آن آیه بدهد که از دوران كودكى ورد زبانش بوده است؟! می‌بینی که با تکرار این عبارت (علی را که مظهر عجایب است ندا کن) نیازهایش را بر طرف می‌کند. (و در می‌یابی که در گرفتاریها کمک توست، هر همّ و غمی با ولایت تو، ای علی، بر طرف می‌شود) و سپس می‌افزاید: (ای فریاد رس فریادرسان ای علی، کمکم کن) و پروردگار انسانها را که در قرآن کریم در مورد خودش این آیه را بیان کرده به فراموشی می‌سپارد».

ﮋ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﮊ (نمل: 62).

«(چه) كسى است كه دعاى مضطر را اجابت مى‏كند و گرفتارى را برطرف مى‏سازد، و شما را خلفاى زمين قرار مى‏دهد، آيا معبودى با خداست؟! كمتر متذكر مى‏شويد!».

و بایستی که بپرسیم آنگاه که ائمه پناهگاه نیازمندان و گریزگاه بینوایان و قبله دعاگویان باشند و جز با ذکر نامهای آنها دعاها بر آورده نشود، پس چه فرقی میان این و آنچه که مشرکان مکّه در مورد بتهایشان می‌پنداشتند وجود دارد؟!

آری اینجا یک تفاوت وجود دارد و آن اینکه مشرکان مکه هنگام سختیها الله را به اخلاص می‌خواندند: ﮋ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﮊ (عنکبوت: 65).

«هنگامى كه بر سوار بر كشتى شوند، خدا را با اخلاص مى‏خوانند (و غير او را فراموش مى‏كنند)؛ اما هنگامى كه خدا آنان را به خشكى رساند و نجات داد، باز مشرك مى‏شوند!».

ولی آنهایی که به ائمه پناه می‌برند و با ذکر نامهای آنها، آنها را فرا می‌خوانند در سختی و گرفتاری به خدا شرک می‌ورزند.

شعار دادن ديگر بس است

بایستی آشکارا بگوئیم که شعارها دیگر بس است!

تا کی می‌خواهیم با اسم اهل بیت زندگی کنیم و حال بر توحیدی که آنها زیسته‌اند زندگی نکنیم به مخلوقهای خالق بچسبیم و هنگام سختیها از آنها یاری بجوئیم واز آنها بخواهیم که به ما روزی ونعمت بدهند و حال به رزاق شنوا هر شکایتی را عرض کنیم؟!

تا کی می‌خواهیم از حبّ الله و رسولش صحبت کنیم و به کلام الله و رسولش توجه نکنیم، همان کسانی که ما را به سوی خداوند تشویق کردند و نه کسی غیر او؟!

تا چه وقت می‌خواهیم از پیروی اهل بیت صحبت کنیم و حال آنکه چیزی جز لعن و نفرین مردگان و جنگهای میان مسلمین و برانگیختن آشوبهای جاهلی از این پیروی کردن نمی‌دانیم؟!

ما کجا و تلاشهای فراوان اهل بیت در محکم کردن نشانه‌های توحید در روح و دل آدمیان و مبارزه آنها با بدعتها و خرافاتی که در جامعه مسلمین ایجاد می‌شد کجا؟

ما نیازمند دیدگاهی هستیم که توسط آن مفاهیم خود را اصلاح کرده و آنها را در باطن و جان خود محکم گردانیم تا جزو کسانی نباشیم که خداوند در مورد آنها فرموده: ﮋ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮊ (کهف: 103-104).

«بگو: آيا به شما خبر دهيم كه زيانكارترين (مردم) در كارها، چه كسانى هستند؟ آنها كه تلاشهايشان در زندگى دنيا گم (و نابود) شده؛ با اين حال، مى‏پندارند كار نيك انجام مى‏دهند!».

منابع

1. الاعتقادات، الشیخ المفید، تحقیق عصام عبد السید، دار المفید، الطبعه الثانیه 1414ه‍.
2. بحار الانوار، العلامه محمد باقر المجلسی، موسسه الوفاء، بیروت، لبنان، الطبعه الثانیه 1403ه‍. 1983م.
3. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن الحسن الطوسی الملقب بشیخ الطائفه، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، مکتب الإعلام الإسلامی، الطبعه الأولی 1409ه‍.
4. تفسیر جامع الجوامع، الفضل بن الحسن الطبرسی، موسسه النشر الإسلامی لجماعه المدرسین، قم، الطبعه الأولی 1418ه‍.
5. التوحید، ابن بابویه القمی (الملقب بالصدوق)، تحقیق سید هاشم الحسینی الطهرانی، نشر جامعه المدرسین، قم، الطبعه الأولی 1387ه‍.
6. الخصال، ابن بابویه القمی (الملقب بالصدوق)، تحقیق علی اکبر غفاری، جماعه المدرسین فی الحوزه، قم.
7. الصحیفه السجادیه الکامله للامام علی بن الحسین، نشر جامعه مدرسین حوزه قم.
8. الصحیفه السجادیه، بإشراف سید محمد باقر نجل سید مرتضی الموحد الأبطحی الأصفهانی، تحقیق مؤسسه الإمام المهدی (ع)، الطبعه الأولی 1411ه‍.
9. علل الشرائع، ابن بابویه القمی (الملقب بالصدوق)، منشورات المکتبه الحیدریه 1385ه‍ - 1966م.
10. قرب الإسناد، أبوالعباس عبدالله الحمیری، موسسه آل البیت لإحیاء التراث، قم، الطبعه الأولی 1413ه‍.
11. الکافی، الکلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، نشر دار الکتب الإسلامیه، الطبعه الرابعه، 1365ه‍.
12. المسائل السرویه، الشیخ المفید، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
13. مستدرک الوسائل، المحقق النوری الطبرسی، مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، الطبعه الأولی 1408ه‍.
14. نهج البلاغه، الإمام علی، تحقیق محمد عبده، دار المعرفه، بیروت.
15. وسائل الشیعه، الحر العاملی، تحقیق ونشر مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، الطبعه الثانیه، قم.

1. - الشیخ المفید ، المسائل السرویه، ص 101. [↑](#footnote-ref-1)
2. - التوحید کتاب شیخ الصدوق ص 409. [↑](#footnote-ref-2)
3. - مستدرک الوسائل 14/332. [↑](#footnote-ref-3)
4. - صحیفة کامل سجادیه امام علی بن حسین (زین العابدین) ص 224 و 225. [↑](#footnote-ref-4)
5. - کتاب الکافی جلد 2، ص 339، (کتاب دعا – قسمت فضل دعا و تشویق برای دعا کردن)، وسائل الشیعه جلد 7، ص 23، (بخش دعا – قسمت دعا و تشویق برای دعا کردن ص 7). [↑](#footnote-ref-5)
6. - وسائل الشیعه جلد 7، ص 30 (بخش: پسندیده بودن انتخاب دعا نسبت به غیر آن از عبادات مستحب). [↑](#footnote-ref-6)
7. - الکافی جلد 2، ص 388 (بخش دعا – قسمت : سخن هنگام صبح و عصر). [↑](#footnote-ref-7)
8. -همان منبع. [↑](#footnote-ref-8)
9. - جوامع الجامع جلد 1 ص 488. [↑](#footnote-ref-9)
10. - بحار الانوار، جلد 25، صفحه 289. [↑](#footnote-ref-10)
11. - قرب الإسناد، ص 4، حدیث شماره 10 [↑](#footnote-ref-11)
12. - اعتقادات شیخ مفید، ص 99. [↑](#footnote-ref-12)
13. - توسّل به ذات مثل (**اللهم انی اتوسل الیک بمحمّد**) یا توسّل به جاه مانند (**اللهم انی اتوسل الیک بجاه محمد**) میان علمای جدید و قدیم در این مورد اختلاف است و نهایتاً گفته‌اند که بدعت است و نگفته‌اند که شرک می‌باشد و اصل در عبادات توقیفی بودن آنهاست یعنی شخص مسلمان با وجود نص نمی‌تواند چیزی بگوید. و نمی‌تواند جز به دلیل قرآن و سنت صحیح از چیز دیگری پیروی کند. [↑](#footnote-ref-13)
14. - تفسیر من وحی القرآن؛ ج 25، ص 66-65. [↑](#footnote-ref-14)
15. - علل الشرائع، ابن بابویه قمی، ج 1، ص 3. [↑](#footnote-ref-15)
16. - صدا زدن و درخواست از مردگان به اتفاق شيعه و سنى جايز نيست، و درخواست و طلب از شخص زنده بر امرى كه توانايى آن را دارد به اتفاق شيعه و سنى جايز است، ولى درخواست و طلب از شخص زنده بر امرى كه توانايى آن را ندارد مثل خبر از غيبيات و امثال آن به اجماع تمامى مسلمانان جايز نيست. [↑](#footnote-ref-16)
17. - التبیان، ج 1، ص 509. [↑](#footnote-ref-17)
18. - تفسیر بشر ج 1، ص 112. [↑](#footnote-ref-18)
19. - تفسیر الجواهر الثمین ج 2، ص 170. [↑](#footnote-ref-19)
20. - نهج البلاغه، ص 163، شماره 110. [↑](#footnote-ref-20)
21. - صحیفه سجادیه، ص 214. [↑](#footnote-ref-21)
22. - همان، منبع، ص 411. [↑](#footnote-ref-22)
23. - همان، منبع، ص 67. [↑](#footnote-ref-23)
24. - همان، منبع، ص 144. [↑](#footnote-ref-24)
25. - قرب الاسناد از ابی عباس حمیری، ص 6 حدیث 18. [↑](#footnote-ref-25)
26. - توحید، ابن بابویه قمی، ص 231. [↑](#footnote-ref-26)
27. - صحیفه سجادیه، ص 386. [↑](#footnote-ref-27)
28. - بحار الانوار مجلس، ج 43، ص 217. [↑](#footnote-ref-28)
29. - بحار الانوار، مجلسی، ج، 91، ص 225. [↑](#footnote-ref-29)
30. - مکارم اخلاق، طبرسی، ص 337. [↑](#footnote-ref-30)
31. - کافی، کلینی، ج 2، ث 542. [↑](#footnote-ref-31)
32. - ص 410. [↑](#footnote-ref-32)
33. - کافی، ج1، ص 123. [↑](#footnote-ref-33)
34. - کافی، ج 1، ص 124. [↑](#footnote-ref-34)
35. - کافی، ج 2، ص 404. [↑](#footnote-ref-35)
36. - {} سخن مترجم می باشد. [↑](#footnote-ref-36)
37. - بحار الانوار، ج 94، ص 33. [↑](#footnote-ref-37)
38. - همان، منبع. [↑](#footnote-ref-38)
39. - بحار الانوار، ج 94، ص 37. [↑](#footnote-ref-39)